

گزارشی از تظاهرات شهرهای کردستان در رابطه با

محکوم کردن وقایع مریوان

بلاکاردهای این تظاهرات بسیار جالب بود: "مدافع انقلاب تنها زحمتکش است، بزرگ سرمایه دار و مالک دشمن انقلابند". "بفرار با باد جمهوری دیکراتیک خلق". "آزود بر بزرگتر متحد کارگر"، "پیش سوی ایجاد حزب طبقه کارگر" و... در تمام این تظاهرات، افراد می جمعیت و دختر هواداران از تظاهرات حمایت می نمودند.

در زیر قسمتی از فراخوان "شورای هماهنگی جمعیت های کردستان ایران که برای دعوت مردم کردستان در پشتیبانی از مردم مریوان انتشار یافته است میاریم: خلقهای سراسر ایران! خلق مبارز کرد!

اکنون که توطئه های رنگارنگ امپریالیست ها و حامیان داخلی آنها یکی پس از دیگری خنثی میشوند، اکنون که قیاده باوق چاق دستار باغیان و نوکران امپریالیسم ورشکسته و رسوا شده است،

اکنون که کاروان های فئودالی و مراکز توطئه و فساد پشیمان زیر ضربات سهمگین اتحادیه های دهقانی خم شده است،

اکنون که تبلیغات پاره ای کمیته های ارتجاعی چون ملاحسنی ها برای اخلاص و طرفه اندازی در مفوق خلق های ترک و کرد بسنگ سخت مقاومت و هوشیاری خلقها خورده است،

اکنون که برای همه روشن شده است که تبلیغات شرم آور و رنگین رامیوتلویزیون اخباری را با وسوسه های بیش نیست،

اکنون که طبل رسوایی عوام فریبان فد بشر و ضد اسلام در زیر پوشش دفاع از دین و مذهب با چماق داران فد آزادی و گروه های فشارشان در داخل و خارج کشور بعداً نژاد خور است،

اکنون که انبیا توطئه تپی و کفگیر دسیسه و خیانت به ته دیگ خورده است،

تنها بگرای برای ارتجاع و نرسرهدگان امپریالیسم باقی مانده است و آنها اشغال نظامی منطقه و رودر رو قرار دادن مردم و ارتش و محاربه خلق ستم دیده کرد در اطراف ارومیه... و شهر مریوان است.

در پی آواره شدن مردم مریوان، و دستگیری ۱۶ تن از رزمندگان کرد، شورای هماهنگی جمعیت های کردستان در پی شش روز ۵۸/۵/۲ تصمیم به تظاهراتی سراسری گرفت، و بعلمت اینکه جان رزمندگان اسیر در خطر بود، روز سه شنبه ۵۸/۵/۲ را بعنوان روز اعتراضی و تظاهرات علیه دولت موقت و عواملش در منطقه اعلام نمود. و در همان روز آیت الله عزالدین حسینی اعلامیه ای در رابطه با حمایت از این تظاهرات انتشار داد. با اینکه تبلیغی در بین روستائیان و مردم شهرها انجام نگرفته ولی از بعد از ظهر سه شنبه مردم گروه گروه به محل اجتماع (که از قبل اعلام شده بود) آمدند، در شهرهای سنندج، سقز، مهاباد، اشنویه و بوکان و... شهرهای دیگر کردستان، حمایت خود را از کردن دسایس امپریالیسم و ارتجاع، حمایت خود را از خواسته های برحق مردم مریوان اعلام نمودند، در شهر بوکان تظاهرات چند هزار نفری برگزار گردید. مردم با حمل پلاکاردهای بی جمله "مرگ بر ملاحسنی ترنچ، مردم عامل امپریالیسم"، "آواره کردن مردم مریوان و دستگیری ۱۶ رزمنده کرد از دسایس امپریالیسم و ارتجاع است"، "نظم شرها باید بستم ما بران کرد"، "امور انتظامی شهر وروستا باید توسط شورای شهر و اتحادیه های دهقانی اداره شود"، "اشغال نظامی کردستان"، "مرگ و سربو خلقها، خواست امپریالیسم است" و..... توطئه اشغال کردستان و سرکوب مبارزان کرد، سرب، فارس، ترکمن و... را محکوم نمودند. وقتی جمعیت به جلوی دفتر حزب دموکرات میرسد شمار "مرگ بر فئودال" به اوج میرسد. مردم با مشت های گره کرده خشم خود را از این عوامل امپریالیسم در منطقه اعلام داشتند. همچنین در این روز اعلامیه ای از طرف اتحادیه کارگران بوکان - بخش گردید که از کارگران و سایر زحمتکشان خواسته شده بود که در تظاهراتی که برای خواسته های کارگران و اعتراضی به بیکاری در روز چهارشنبه ۵۸/۵/۲ برگزار میشود شرکت نمایند، دفتر هواداران چریکهای فدائی خلق بوکان و جمعیت دفاع از زحمتکشان و حقوق ملی کرد - بوکان ضمن حمایت از تظاهرات، اعلامیه های در این رابطه انتشار دادند.

عمر روز چهارشنبه ۵۸/۵/۲ میدان شهر بوکان محل تجمع کارگران و زحمتکشان شهر بوکان بود، پیش از شروع تظاهرات شعارهای نوشته شده ای از طرف اتحادیه کارگران بوکان پخش گردید، در این روز مردم که نسبت به وقایع مریوان خشمگین شده بودند، با شعارهای مرگ بر کمیته، کمیته فد خلقی است و... بطرف کمیته هجوم بردند ولی افراد مسلح انقلابی که از تظاهرات حمایت می نمودند از هجوم انقلابی به محل کمیته جلو - گیری بعمل آورده، البته لازم به توضیح است که این کار (منظور مرگ بر کمیته و...) چپ روی محض بود چون بنا به گفته خود مردم بوکان افراد کمیته غیر از سرپرست و کله گنده های، افرادی هستند که با گرفتن حقوق ماهانه از کمیته، امرار معاش می نمایند و افراد ضد انقلابی و فد خلقی نیستند.

همه میدانید که خلق مبارز شهر ۲۵ هزار نفری مریوان که نمیخواستند بار دیگر سرنوشت وزنگیشان دستخوش و آلت دست شتی عناصر مزدور، غاشن و ضد انقلابی تحت نام "اصلاح سنا با ساداران" گردد، آوارگی و بیخانمانی را بر اسارت ترجیح داده و از قبول زور و تحمیل قیامهای دروغین و دایه های مهریانتز از سادار سرباز زده اند. خواست مردم مریوان خواست تمامی خلق کرد و خواست تمامی خلقهای ایران است و آنها داشتن حق دهالست آزادانه در سرنوشت خویش و تحقق همان شعاریکه طی قرون مطرح بوده ولی از طرف استبداد با پمال گشته است یعنی حکومت مردم بر مردم و سیردن کار مردم بر مردم است.

در صورتیکه در انبار سیمان به اندازه کافی وجود داشته و علاوه بر این کله گنده های شهر بدون هیچ دردسری سیمان دریافت می کنند. روستائیان با نوشتن نامه به فرمانداری به این امر اعتراض می کنند و حتی از سیمان خودشان چهار نماینده انتخاب کرده و برای اعتراض به فرمانداری می فرستند که با جواب سربالای منشی فرماندار ریوی می شوند. در نتیجه این اجحافات وی - توجیهی مسئولین، دهقانان (حدود ۳۰۰ نفر) روز شنبه ۵۸/۵/۱ از زمین فوتبال تا فرمانداری با بسل راهپیمایی می کنند و خواستار عرضه سیمان به مردم می شوند. در فرمانداری درها را بستند و فرماندار هم از پنجره فرار کرد و در ضمن در موقع راهپیمایی کمیته چی ها دهقانان را مورد ضرب و شتم قرار می دهند و فرصت طلبان و مذهبی نماها هم عمل دهقانان را به شرمانه تقبیح می کنند.

دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر - با بسل، اعلامیه ای در رابطه با تظاهرات دهقانان روستاهای بابل در اعتراض به احتکار و گرانی سیمان انتشار داده اند که مضمون آن چنین است.

تظاهرات دهقانان روستاهای بابل

مدتی است که روستائیان بابل برای ساختن سر - پناهی به سیمان احتیاج دارند و برای گرفتن آن به شهر می آیند ولی از سیمان بخیری نیست در صورتیکه در سا زار سیاه، سیمان فراوان است. به روستائیان می گویند که باید از فرمانداری حواله بگیرند تا قادر به گرفتن سیمان باشید روستائیان از فرمانداری حواله می گیرند و از صبح خیلی زود در صف خرید سیمان می ایستند ولی به آنها سیمان نمی رسد و مسئولین می گویند سیمان تمام شده است

نامه به پیکار: چه کسانی و چرا کتابفروشی به رنگ را در تکاب منفجر کردند؟

براستی چگونه میتوان به این سؤال پاسخ داد؟ کدام انسان اندیشمندی میتواند با تویل به ممانسی عقیدتی و اصول ایدئولوژیک خود انفجار یک کتابفروشی را خوبه نماید؟ آن کسی که در شب چهارشنبه ۵۸/۵/۳ در شهر کوچک ما تکاب واقع در آذربایجان غربی، دهنما میر را به اندام یک مناره کتا بفروشی بست. آیا مسئولیت فقر فرهنگی جامعه ما را که از این طریق سالها تحت ستم بوده میتوان به عهده بگیرد؟ ما چندی پیش عواقب وخیم توطئه ها و تحریکات ارتجاع و عوامل رژیم پیشین در تکاب را از طریق جرایم افشا کردیم و اینک ادامه تحریکات آنها با انفجار کتابفروشی به رنگ به مرحله تازه ای رسیده که جا دارد مجدداً ملت قهرمان ایران و به ویژه اهالی شرافتمند تکاب را به داوری بخلیسم، نفاق افکنان و توطئه گران و آنها شکیه خلق اگر را دشمن خود میدانند برآستی بی برده اند کینه اکر استبدال و بی فرهنگی از جامعه رخت بر بندد آنها دیگر نمیتوانند مانند اسلاف خود نیر کرده ملت سوار شوند! مگر نمونه های کتاب سوزان در تاریخ قدیم ایران و در عصر اشغالگران مغول سراغ نداریم؟ مگرو حاشا تا ما شازادگان کتابخوانی ندیدیم؟ اوو امثال اوچرا وحشت میکردند و اصولاً کتابچه گاه ای می توانست بدهد که عوامل ارتجاع در مدد جلوگیری از آگاه شدن افراد جامعه با برآمده اند؟ تازه! به این هم اکتفا نمیکنند، یک روز به عنوان مذهبی و غیر مذهبی توطئه می بینند، روز دیگر روزنامه فروش را مفروض می نمایند و روزی نسیب و قیامت شایع میکنند که در مسیر راه پیمایی به سبب گذاشته شد و از این طریق مردم سیکناه را هراسان میکنند! از چندی پیش تحریکاتی را علیه کرد هندی منطقه شروع کرده اند و این تحریکات، منطقه را مانند بارونی آماده انفجار نموده است. ما می گوئیم هر انسان اندیشمندی که مدعی است: این لبرنامه ها از ممانسی فکری و عقیدتی او نشأت میکردن مریحا اعلام دارد تا خلق قهرمان ایران و به ویژه جوانان تکاب نیز مریحا به ماهیت اصول اعتقادی وی پی بگردند! آیا کسی که در خلا اقدام به آتش زدن و انفجار کتابفروشی بنامد شایسته لقب مرتجع نیست؟ ما بیکبار دیگر از کلیه نیروهای مترقی میخواهیم که در افشا هر چه بیشتر ماهیت ارتجاعی عده ای که در لباس انقلاب دشمن آگاهی خلق هستند بکوشند و از اهالی شرافتمند تکاب نیز میخواهیم خود در این باره بنمایند!

از طرف گروهی از جوانان تکاب
انفا: محفوظ

وبازهم چهره کریه فاشیسم

در تاریخ ۵۸/۵/۲ مینتگی از طرف معلمین بیتکام آمل در مدرسه ای برگزار شده بود. یک عده عوامل شناخته شده مینتنگ را بهم میزنند و کتابها و اعلامیه های دفتر بیتکام را بیرون ریخته و در و پنجره را خسرد میکنند. بعد از بهم زدن مینتنگ یک کتابخانه بنام بوپا که متعلق به بیتکام بوده کتابهایش را سوزانده و در و پنجره اش را خرد میکنند بعد از این جریان دو مدرسه (محل برگزاری مینتنگ) را با جوب و چماق محاربه کرده و محاربه تا اواخر شب ادامه داشته که با دخالت پاسداران خانم می یابد. کامیون بنز غاوری که حامل دانشجویان با بلسی شرکت کننده در مینتنگ، بوده با مسمی که در آن کار گذاشته بود منفجر میشود و در نتیجه دست یکی از مسافران قطع و چم یکم آسیب دیده و عده ای نیز زخمی میشوند.

هیئت حاکمه قول و قرارهای خود را در مورد تشکیل مجلس مؤسسان زیر پا گذاشته است

است با تابع شدن حقوق درجه داران ، در حالیکه خواستهای فد امیربالیستی همفران نه تنها منافاتی با حقوق درجه داران آزادبخواه و فد امیربالیست ندارد بلکه دقیقاً منافع آنها را نیز منکسر مینماید . (۱) مسئله اینست که خواستهای فد امیربالیستی همفران با منافع امیربالیستی و دولت حامی سرمایه داران در تضاد بوده و طبیعی است که از طرف آنان مورد مخالفت و کار شکنی قرار گیرد - همانطور که تا کنون قرار گرفته است - بنابراین پرسش ارتش ، افسران جز و درجه داران نیابستی مورد سو استفاده قرار گیرند و در مقابل همفران مبارز بایستند . عوامل مرموزما بین افسران چنین تبلیغات میکنند که همفران خواستار افسر شدن هستند و در صورتیکه خواستار صورت تحقق بخشد بگردد بنحو با رزی از اهمیت افسران کنونی گشته خواهد شد . چرا که همفران دارای درجه ای همبایسه آنها خواهند شد مافا اینکه ازخیمی برخوردارننسد که افسران کنونی فاقد آتند . به درجه داران هم می - گویند که همفران از حقوق و مزایای زیادی برخوردارند اگر به مقام افسری هم ارتقا یابند در ارتش از هر نظر یک نامیشوند و آتوقت شما (درجه داران) گسه کنون از لحاظ قدرت اجرائی قویتر از آنان بودیدد در این مورد هم تحت فرماندهی آنها قرار خواهید گرفت ... و خلاصه بگونه ای تبلیغ میکنند که همفران میخواهند ارتش را بزیر سلطه و حاکمیت خود بکشند و از دیگران میخواهند که از این سلطه ظلمی و برتری - جوئی مناعت بعمل آورند . ولی همفران مبارز بایسن تبلیغات حساب شده و توطئه های نفاق افکنانه چنینی پاسخ میگویند :

... شورا صدی است در مقابل توطئه ها ، آپسا خواستن چنین سدی کاری فد انقلابی است . میروند تابع میکنند که همفران به همین دلیل دست به ضمن زنده - اند که میخواهند افسر شوند . عدا شاهد است که ماهرکز در هیچ جایی نگفته ایم که ما را افسر کنید . همه مقامات لشکری از فرمانده نیروی هوایی گرفته تا فرمانده سابق ستاد بزرگ و وزیر دفاع سابق خودشان بعد از بررسی گشتند که شما بایستی افسر شوید . چون این حق شما هست و ما جواب دادیم برای ما مهم نیست که چی میشود . مهم اینست که جای خفیی خود را در ارتش و در سلسله مراتب آن پیدا کنیم و مبارزه کردیم که افسر شویم . ما برای از بین بردن نهادهای نادرست جنگیدیم ... (آتبدگان ۲۲ تیر)

هدف از تمام این توطئه ها ، تبلیغات ، تخمیقات و فتراها (مانند تحت فشار قرار دادن آنها بصرای استغلا و با گوش برای بازخرید خدمت آنها) بر همفران اینست که در آغاز و در ابتدای امر این نیروهای مبارز را که از شکل و آگاهی نسبی هم برخوردارند از دیگر نیروهای ارتشی جدا کرده ، سرکوب کنند و سپس سراغ سایر پرسنل انقلابی و مبارز ارتش برونند تا ارتش مورد نظر قدرت حاکم ، موجودیت خود را بازیابد .

چرا از همفران می هراسند؟

اما چرا کوشش میشود برای بازسازی ارتش ، نخست همفران مبارز است متفرد کنند ؟ پاسخ بدین سوال امر شاق و پیچیده ای نیست . همفران چه قبل از قیام ، چه در جریان قیام و چه بعد از آن نشان داده اند که در برگیرنده آگاهترین و پیشروترین نیروهای نظامی هستند . آنها بیش از قیام از اولین کسانی بودند که در نیروی ارتش شافتهای " تمدد " کردند و به قیمت به خطر انداختن جان و مال خود و خانواده هایشان به مبارزه با رژیم منصور شاه و همپای و همگامی با جنبش عظیم خلقهای ایران پرداختند . مزین کردن د ر دیوار یادگنها به شمارهای انقلابی و فد رژیم ، بخش اعلامیه و تراکت در یادگنها و پاکبهای نظامی و

(۱) - یکی از نمایندگان همفران در تمامی باندگان با داورند در حال حاضر گروههای زیادی در نیروی هوایی مشغول هستند و برنامهریزی برای رور رو قرار دادن برادران درجه دار با همفران اند . ما همفران امیدواریم که برادران درجه دار ما تحت تاثیر این گونه توطئه ها قرار نگیرند . چون در حقیقت جسمه ما و آتوقتی است و هدف پاکسازی ، مضموم پاکسازی و برکناری عوامل آتش افروز در نیروی هوایی - گسه ناشناخته هم نیستد ... (آتبدگان ، ۴ شنبه ۲۰ تیر) . در جای دیگر : " رابط همفران هشدار داد ... اتحاد بین همافس و درجه داران من بپروزی هر دو گروه و نابودی سلطه مجدد امیربالیسم بر نیروی هواکشی خواهد بود . " (آتبدگان ، ۵ شنبه ۲۱ تیر)

همفران: مبارزه نکردیم که افسرشویم، ما برای از بین بردن

نهادهای نادرست جنگیدیم

انجام تظاهرات در این مکانها و سپن کشیدن این تظاهرات به خیابانها ، از کار انداختن صبا افکن ها با دستکاری و تخریب در آنها ، عدم اجازه فرود هواپیما های مستشاران آمریکائی و ... از جمله اقدامات انقلابی همفران مبارز در زمان رژیم شاه و قسلا از آغاز قیام پرشکوه بهمین ماه می باشد . شکست دادن بورژوازی شاه گارد شاه خائن با جانبازی و فدکاری بسیار ، پیش از این بین توده های مبارز و قهرمان ، قرار گرفتن در رأس نیروهای خلق برای مقابله با رژیم شاه و امیربالیسم ... از دیگر اقدامات انقلابی همفران در زمان قیام می باشد . بدست گرفتن مسئولیت حفاظت و امنیت مناطق صاس کشور ، دستگیری بسیاری از عناصر فد انقلابی ارتش ، ضبط پرونده ها و مدارک فد - اطلاعات و تحویل آنها به دادستان کل انقلاب اسلامی (ولایت اکنون ، مدارک مملوک را تحویل فد - اطلاعات احیا شده داده اند !) ، تشکیل خورا ها در درون ارتش از جمله اقدامات انقلابی همفران مبارزید از قیام محسوب میشوند . که در پیشاپیش افسران و درجه داران مبارز و انقلابی به انجام آنها شامل آت مده - اند . حال ، با توجه به پیشینه و سوابق مبارزاتی و شکل و آگاهی نسبی همفران بسیار طبیعی است که اولین هدف حمله دولتی قرار گیرند (۲) که خواهان بازسازی واحای

(۲) - جالب توجه است که ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران از آنها که سیاست انفراد همفران است حتی در اعلامیه ای که بمناسبت راهپیمائی " وحدت " انتشار میدهد از همفران نامی نمیبرد . اندامی که با مخالفت و اعتراض همفران روبرو میشود و منجر به مدورالظلمه جداگانه ای از طرف همفران درباره راهپیمائی " وحدت " میگردد . (در مورد راهپیمائی وحدت ما نظرم را در بیکار شماره ۱۲ آورده ایم)

شورا و نظامیان

سربازخانه صالح آباد کرمانشاه

نظامیان سربازخانه صالح آباد کرمانشاه ، طرحی را بعنوان " پیش نویس اساسنامه شورای نظامی " انتشار داده اند که بعضی از مفاد آن در قسمت بعدیها چنین است : " پاکسازی ارتش جمهوری اسلامی ایران و استمرار در این امر ، نظارت دائم و مستمر بر اعمال و کارهای فرماندهی و ستاد ، فرماندهان در هر رده کلیه مسائل و مشکلات را بایستی با شورا های نظامی در میان گذاشته و تصمیمات اتخاذ شده هنگامی قابل اجرائت که شورا ی نظامی آنرا تایید نماید . در چگونگی ترکیب شورا ی نظامی آمده است : شورا ی نظامی در ستاد کل ارتش جمهوری با شرکت اعضای انتظامی نیروهای سه گانه (زمینی - هوایی - دریائی) تشکیل میشود و جمیع اعضاء شورا ۹ نفر خواهد بود .

خدمت درسواک

سوء پیشینه نیست !!

علی ظاهر بیکدار شمی است ساکن مشهد و کارمند سابق ساواک اردبیل ، که در نامه ای بازرگان (که البته با رسمه تعالی آغاز شده) خواستار شطوسی مناسب است و در عین حال خواهان برداخت حقوق و مطالبات عقب مانده اش شده است . تا اینجا بش چندان جالب توجه نیست . یک ساواکی با توجه به رشوخت و مهربانی دولت بازرگان نسبت به فد انقلابیون و خائنین به خلق و از جمله به ساواکی ها ، از دولت بازرگان تقاضای کار و حقوق عقب افتاده اش را میکند و لیس آنچه که جالب توجه است نظر مسئولین پاسداران انقلاب اسلامی اردبیل است . اینان به آتای بازرگان توصیه کرده اند که به خواست علی ظاهر بیکدار پاسخ مثبت دهد . چرا که ایشان دارای پیشینه سو نمیشاند !! زهی بشروسی و وقاحت! بلی وقتی ساواک با زسازی و احیا میشود ، وقتی از کارهای ساواک و غداطلاعات ارتش برای کار (جنایت) دعوت میشود ، وقتی محسد آ شکنجه گران ساواک بکار گرفته میشوند تا انقلابیونسی را که زمان رژیم شاه شکنجه کرده بودند دوباره شکنجه کنند ، غمو ساواک بودن در زمان شاه نباید هم سو پیشینه تلفی شود . بلکه طبیعی تر است که بمنسوان امتیازی محسوب گردد و بمناسه حسن پیشینه منظور شود .

ارتش با تمام نهادهای و خواستهای خلقی گذشته است و اینجا دیگر بر عهده نیروهای مبارز و آگاه است که توده های خلق را نسبت به این دسیسه که جزئی از کسل دسایسی است که برعلیه خلق صورت میگردد آگاه گردانند . ما هبت فد انقلابی ارتش را هرچه بیشتر برای توده ها بازگو کنند و حمایت آنها را از نیروهای انقلابی و مبارز ارتش و خواستهای برحق آنها جلب کنند . به آنها بسا موزند که هیا هوای معاد قدرت دابر بر شهیدخاری ، سیاستفا شده رژیم شاه خائن است بسرای فریب توده های مردم و به ویژه توده های ارتشی سربازان ، درجه داران و افسران مزتا آنها را برای سرکوب مردم تحت عنوان خویش آب و رنگ سرکوب فد انقلاب و تجزیسه - طلبان بکار گیرند .

اکتون بیش از ده روز است که ضمن همفران بنابه خواست آت الله خمینی پایان پذیرفته است . بیگمان در نظر گرفتن حسن نیت آت الله خمینی از طرف همفران نقش موثری در تصمیم آنها مینوی بکشتن ضمن داشته است . ولی همفران ، و کلیه مردم مبارز ما بسا بسا موزند که تصمیمات خود را با توجه به عملکردیست حاکم اتخاذ کنند و نه بنا بر قول این یا آن شخصیت معتبر . اکتون در حالیکه آت الله خمینی قسول رسیدگی به خواستهای همفران را داده است ، ارتش برای سرکوب شدید خلق کرد خود را آماده میکند . امی که دقیقاً مناسبت خواستهای فد امیربالیستی همفران مبارز می باشد ...

علل پیشرو بودن همفران

در پایان لازم میدانیم که مختصری هم درباره علل مادی پیشرو بودن همفران در ارتش صحبت کنیم : هنگامیکه امیربالیسم آمریکا تصمیم به تسلیح هرچه بیشتر رژیم شاه جلا گرفت ، فوریت مدرتیسه کردن ارتش و تربیت کادرهای متخمی که بخوانند ، ابزار و وسائل پیچیده علمی را بکار اندازند نیز مطرح شد . و بدین ترتیب استخدام نیروهای برای کادر فنی در دستور قرار گرفت و همافسری " بدین منظور بسا آمد . اما از آنها که همفران کارشان بگونه ای بود که می بایستی در مکانهای صاس و حیاتی کار کنند برناما شد که آنها از قدرت اجرائی در ارتش محروم باشند و فقط بصورت مجران اوامر ، انجام وظیفه کنند . اما این مسئله با سطح مدرک بورژوازم همافسری - دیپلسم متوسطه - و در مقایسه با افسران چیزی نبود که کسی را بسوی همافسری جلب کند . بنابراین باید حقوق و مزایای در همافسری باشد تا کمبودهای را که یک همافر نسبت به افسر دارد از جنبه دیگری جبران کند . تا جوانانی که جوابی کار هستند به این نقل جلب شوند . این بود که برای همفران حقوق و مزایای قابل توجهی افسران با شین تر بودند و حتی قدرت اجرائی درجه داران را نیز نداشتند وضع مالی و رفاهی آنها از هرودی این گروه ها بهتر بود . مزایا و حقوق خوب ، آتیم زمانی که بیکاری شدیدی دامنگیر جوانان دیپلسم دران سالها (۲۸ - ۲۷) بود جوانان بسیاری را از روی اجبار برای امرای معاش بسوی نیروی هوایی و همافسری کشاند . و بدین ترتیب بسیاری از جوانانی که به همافسری آمدند بسویژه در دوره های اولیه آن روی اجبار و نارفا - سنی و حتی استیمال بود . این اجبار و نارفا سنی همراه میشد با احساس کمبودی که نسبت به افسران از نظر رده بندی داشتند . همفران در حالیکه از هر نظر خود را بالاتر از افسران میدیدند می بایست تحت فرمان آنان باشند . این امر تا شرایتی بر روی همفران می گذاشت و بر نارفا سنی آنها از ارتش و نظام پیشین می - افتاد ولی هیچکدام این عوامل به اندازه شغل فنی و پیچیده آنها و بیرون بودن تقریبی آنها از حیطه ششک روابط نظامی - در مقایسه با افسران و درجه داران - و اینکه آنها بیشتر کارهای فنی بودند تا نظامی و نیز سرخورد های روبرویشان با مستشاران نظامی آمریکائی و بی بردن به مابیت انگلی و زالموفتی آنها و بدین فعال مابشائی آنها در ارتش و احساس کینه نسبت به آنان ، در آماده کردن زمینه برای آگاه شدن آنان بسا توجه به تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه ، اثر نداشت . مسافرت بسیاری از این همفران به کشورهای اروپائی و آمریکا و بدین آزادهای بورژوازی در کشورهای مرموز و مقایسه آنها با ایران استبداد زده بر سطح آگاهی این فتر ارتش موثر بود .

انحصار طلبی ...

ادامه از صفحه ۹
بایند ، که با لایحه در حزب طبقه کارگر متبلور خواهد شد

راهپیمائی ...

ادامه از صفحه اول
روستاها به آن پیوستند راهپیمایان در ظهر ۵۸/۵/۱۵ از شهر عالی شده مریوان عبور و به اردوگاه آوارگان رسیدند

۲- ارتش نباید در امور داخلی شهر مداخله نماید و وظیفه آن تنها حراست از مرزهای کشور است .
۳- به توطئه های سیاسی و تبلیغاتی علیه مسردم مریوان و خلق کرد باید خاتمه داده شود و حقایق اوضاع به اطلاع مردم ایران برسد .
۴- حق تعیین سرنوشت به مثابه یک حق انکار ناپذیر تمام خلقها باید برای همه خلقهای ایران بر رسمیت شناخته شود و خودمختاری بمشکل شکل مطلوب بر - خودداری مردم از حق اسامیان قبول گردد .
۵- سیاست سرکوب و اعدامهای دسته جمعی خلق عرب خوزستان را شدیداً و از اعماق قلب محکوم می - نمائیم و ضمن تاکید بر وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور از ابراه انصاف تا بر علیه خلقهای رزمنده و تحت ستم ایران انزجار می نمائیم .

پیروز با وحدت انقلابی تمامی خلقهای تحت ستم ایران نابود باد ارتجاع داخلی و وابستگی به امپریالیسم و صهیونیسم
۵۸ / ۵ / ۱۱



زحمتکشان و تمام خلقهای مبارز ایران بر شما باد !
درد بر تمام مبارزانی که با راهپیمائی های تاریخی خود در کردستان ، مدای حق طلبانه مسردم قهرمان مریوان و خلق کرد را بگوش خلقهای ایران رسانیدند ، و در عین حال ما بهت سازگارانه و رزیمیکارانه دولت " انقلابی " و بلندگوهای تبلیغاتی اش را پیش از پیش افشا نمودند

درد بر مردم قهرمان مریوان
درد بر خلق قهرمان کرد
درد بر شما که با ابتکار انقلابی خود در مقابل دولت سرمایه داران و انحصار طلبان کودن ایستادگی کردید

راه پیمائی خلق کرد تجلی خواست عادلانه آنها در تعیین سرنوشت خود بدست خویش است



نقدی بر " طرح خود مختاری کردستان " شورای هماهنگی جمعیت های کردستان - ۲

تهیه شده توسط کمیته کردستان سا زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

شرایط تحقق واقعی خود مختاری و نیروی تحقق بخشنده آن

نظرانه خرده بورژوازی و بورژوازی که در نهایت بر سر طبیعی و ناگزیر تجزیه طلبان و مرتجعین می باشند ، فاش شده و جنبش های ملی را در جهت محو ستم ملی و استقرار خود مختاری به مفهوم انقلابی و مترقی آن سوق دهند .
حال ، بهینیم طرح ارائه شده توسط " شورای هماهنگی ... " چگونه با مسئله برخورد کرده است ؟ به آنچه که در صفحه ۲۴ آمده است توجه کنیم:
" شورای هماهنگی ... دیدگاه طرح ارائه شده را ضروری و مفید برای حل مسئله ملی و استقرار ثبات در جامعه کثیرالمدّه ایران می داند و اجرای آن را در رابطه با تکامل و رشد مبارزات انقلابی و مترقیانه و آزاد - یخواهانه خلق کرد و دیگر خلقهای ایران مقدر و ممکن می بیند " . (تاکید از ماست)
در اینجا ما جز جمله ای کلی و مبهم چیز دیگری نمی بینیم ، در حالیکه هسته اصلی و اساسی مسئله در اینجا - ست که بین تحلیل علمی و مارکسیستی یا تحلیل غیرعلمی مرز بندی می شود ، هر چند که تمایل به برخورد علمی با قضایا در بین باشد - در آنجا که در مورد آنچه در بالا آمد متذکر می شویم که در قطعنامه حزب بلشویک در باره مسئله ملی چنین آمده است :
" اگر برانداختن ستگری ملی در یک جامعه سرمایه - داری امکان پذیر باشد این فقط متنگناهیست که در آن کشور نظام جمهوری دموکراتیک پیگیری حکومتی باشد که برابری نام و تمام حقوق کلیه ملل و زبانها را تامین نماید " .

وابستگی کامل و همه جانبه کشور به امپریالیسم و بافت اقتصادی جامعه که وجه تولید سرمایه داری نقش غالب را در کل روابط تولیدی موجود ایفا می کند و همچنین بسیاری عوامل تاریخی و جهانی دیگر ، سرنوشت خلقهای ایران را بطور ارگانیک و بهم پیوسته ای به یکدیگر پیوند زده است . در چنین شرایطی رهائی هر یک از خلقها از یوغ وابستگی و ستم و استثمار ضاعف ملی که خود حاصل تسلط امپریالیسم بر کشور است - اجتماعاً مبهم مان است بدون رهائی کامل کلیه خلقهای ایران و بدون شکست امپریالیسم در سطح کشور به هیچوجه امکان پذیر نمی باشد ، غالبیت وجه تولید سرمایه داری در بافت اقتصادی جامعه ، در بنطن روابط تولیدی ، ۵ میلیون کارگر و بیش از یک میلیون کارگر صنعتی را پرورش داده و این رسالت را به عهده وی گذاشته است که زحمتکشان شهر و روستا ، اقشار متوسط جامعه و خلقهای تحت ستم را بدور خود جمع کرده و جنبش توده ها را تحت رهبری حزب طبقاتی خود یعنی حزب طبقه کارگر ، تا نیل به پیروزی نهائی هدایت و رهبری نماید . جریان زندگی در طول چند ساله از انقلاب اخیر می گذرد ، بار دیگر صحت گفته های بالا را اثبات کرده و با برجستگی تمام نشان داده است که چگونه بورژوازی به خلق خیانته می کند و خرده بورژوازی نیز ضعیفتر و زبون تر از آنست که بتواند پرچم وزین رهائی خلقهای ایران از قید سلطه و نفوذ امپریالیسم را در دستهای لیزان خود برافراشته نگهدارد . بار دیگر این واقعیت مسلم آشکار می گردد که در عصر کنونی تنها در صورت اعمال رهبری طبقه کارگر بر کل جنبش و استقرار جمهوری دموکراتیک خلقهای ایران است که پیروزی نهائی و تامین شده و خلقهای تحت ستم می توانند بر تجزیه - طلبی و ارتجاع فئودالی و همچنین ناسیونالیسم تنگ -

یا در جایی دیگر لنین می گوید :
" مالکین ، سرمایه داران و خرده بورژوازی بمنظور حراست امتیازات طبقاتی خویش و ایجاد افتراق بین کارگران ملیتهای مختلف از سیاست ستگری ملی که میراث حکومت و رژیم سلطنت است پشتیبانی می نماید . امپریا - لیسم معاصر که بر کوشش خود برای تابع نمودن ملل ضعیف می افزاید ، عامل جدید تشدید ستگری ملی است " (قطعنامه درباره مسئله ملی) . بنابراین - چگونه می توان از کنار امری بدین مهمی گذشت و تنها به کلی گویی و مبهم گویی اکتفا نمود . عدم طرح صریح و روشن شعار جمهوری دموکراتیک خلق در تحقق واقعی خود مختاری همواره این خطر را در بردارد که مسئله ملی را از سئله طبقاتی جدا نموده و توده های زحمتکش را بد ناله روی از نفوذ الیها ، بورژوازی و خرده بورژوازی وادارد و وقتی شعار جمهوری دموکراتیک خلق در طرح شورای هماهنگی داده نمی شود ، این بدان معنی است که در حل مسئله ملی و خود مختاری ، رهبری پرولتاریا مورد قبول نیست و همچنین به معنی دنباله روی از بورژوازی و خرده بورژوازی نیز هست . همانطور که عدم موضعگیری صریح و روشن شورای هماهنگی در مسود د شعارهایی که حزب دموکرات طرح می کند و عدم افشا و طرد آن ، نشان می دهد .
کافیست برای ، برگ تاثیرات سو" سیاسی این دنباله - روی نگاه می به شکستهای جنبش خلق کرد بیاکنیم ، عدم طرح رهبری پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک ، در ایجاد

اتقلاب‌بنیگاران کونه هم از تحریف اینان در امان نیست

شماره ۱۵ پیکار
۱۵ مرداد ۵۸

رادیو، تلویزیون، خلق سلاح حامیان سوموز را با خلق سلاح انقلابیون ایران یکی میدانند!

در هفته گذشته چند "تفسیر" از رادیوی میوه - چنان انقلاب‌پخش‌ند که نشان میداد هیئت حاکمه فعلی تنها به تحریف انقلاب ایران بسنده نمیکنند و تنها انقلاب ایران نیست که از درجه چشم لوچ و یکجانبه‌نگر سوموزی حاکم‌وارونه و بر ضد اهداف انقلابی توده‌های ستمدیده ایران معرفی میشود، بلکه انقلاب نیکاراگوئه نیز وارونه و مسخ معرفی میگردد.

از دیدگاه این رادیو، راه موفقیت انقلاب نیکاراگوئه طرد عناصر و جریان‌های رادیکال (یعنی انقلابیون ضد امپریالیست و کمونیستها) از داخل دولت است. هم-چنین این رادیو، دستور جمع آوری اسلحه از دست مزدوران سوموز را با توشه خلق سلاح نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست در کشور ما یکی میدانند. هم‌اکنون رادیو، روزنامه جمهوری اسلامی هم در شماره ۱۱ مرداد خود به نفع خویش دیده است که خوانندگان خود را به اطلاع این امر مخفی‌کننده که "دولت نیکاراگوئه از آمریکا سلاح درخواست کرده است تا از خود در برابر ضد انقلاب دفاع کند". ما به میزان صحت و قسم این خبر کاری نداریم زیرا به فرض صحت آنهم آنچه مهم است اینست که اولاً چه کسی و با چه پایگاهی با آمریکا رابطه و مزایه دارد؟ انقلابیون و پیمان هم‌رابطه‌شان را با آمریکا - جلا غلغتان - هرگز نبریندند. اما خیلی فرق است بین رابطه و پیمان و آمریکا با رابطه نیکاراگوئه و آمریکا با رابطه دولت انقلابی ایران - سفیر سابق آمریکا، زیرا به قول ویلیام سولیبون، سفیر سابق آمریکا به هنگام ترک ایران: "شهران ما یکسوز آمریکا کشته نبوده است." ثانیا اینکه مفهوم "ضد انقلاب" از دید ساندنیستها و دید این حضرات ۱۸۰۰

درجه با هم اختلاف دارد. آنها امپریالیستهای بانکی و عمال آنان یعنی دارونده سوموز و... را ضد انقلاب میدانند و حضرات غاصبان قدرت در ایران، نیروهای خلقی و کمونیستها را ضد انقلاب می‌شناسند. اینها دیگر کاری به ما و ماها و فئودالها و سرمایه داران وابسته ندارند و وقتی هم که داشتند تحت فشار توده‌ها بود. الان ما و ماها را استرات‌ساز در خیابانها می‌چرخند و "حقوقشان" را می‌گیرند، چرا که ما و ماها دارم بازاری می‌شویم، ارتشهای ضد خلقی و جناحکار در پستیهای خود ایفا می‌شوند و رکن ۲ هم بازاری می‌شود. همچنین از دید این حضرات، فئودالها هم ضد انقلاب نیستند و حتی زمانیکه ما کار دهقانان می‌شویم و آنها را سه گلوله می‌بندند و با شکنجه میدهند دولت و شرکای قدرت جانب فئودالها را می‌گیرند. (برای نمونه رجوع کنید به پیکار شماره ۸) سرمایه‌داران وابسته هم دعوت به بازگشت می‌شوند (و به آنها تضمین داده می‌شود) (رجوع شود به سخنان مولوی رئیس بانک مرکزی (۱)) از نظر ما حیا این قدرت در ایران اینها ضد انقلاب نیستند بلکه مانع نظمه نظرات دولت انقلابی نیکاراگوئه و خلق و کمونیستها هستند که هر روز برای آنها باپوش و زهنی تازه درست میکنند، یک روز قاچاقچی اسلحه -

رادیو تلویزیون، به انقلابیون نیکاراگوئه درس ارتجاعی میدهد

باز میگذارد و از آقای فروهر که کارگران مبارز را ضد انقلابی می‌نامد و دانشمندیهای کارگری را تحت فشار می‌گذارد و نیز از "نیروی ویژه کار" که برای حفاظت از منافع سرمایه‌داران و سرکوب کارگران تشکیل شده است، بپرسید.

۴- متشکل شدن آزادانه از اتحادیه‌های کارگری برای کلیه کارگران امکانپذیر خواهد شد. حکومت ساندنیستها، تشکیل اتحادیه‌ها را تشویق خواهد کرد تا از طریق آن کارگران و زحمتکشان بتوانند از دست آوردها و از حقوق خود دفاع کنند.

۵- مومیکیری دولت موقت انقلابی و وزارت کار و کمیته‌ها و نیروهای صاحب قدرت نظیر حزب جمهوری اسلامی در برابر شوراها و سندیکاهای کارگری را خود - تا آنجا که مسئله فوق مقایسه کنید، کارگران در بسیاری مناطق نمی‌توانند سندیکای واقعی تشکیل دهند زیرا که حتماً با پستی آملی باشد! حزب جمهوری اسلامی اساساً مخالف سندیکای مستقل کارگری است و ایده شوراها را موزاوشی (شکیبی از سرمایه‌داران، کارگران و مدیران کارخانه) را تبلیغ و عمل میکند! ...

۵- حکومت ساندنیستی میباید از قراردادهای شوری که با خاندان سوموز و باقبل آرژان بسته شده و ملیه استقلال و حق حاکمیت وراثتی ملت به رسمیت نماندند. این را مقایسه کنید با بیش از هزار قرار داد در زمینه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که بین شاه و امپریالیستها بسته شده که از بین آنها میتوان به قرارداد نظامی دو جانبه ایران و آمریکا، قرارداد کاپیتولاسیون، پیمان سنتو، قرارداد خرید ۴۰ میلیارد دلار اسلحه و قراردادهای اسارت آورده‌گیر اشاره کرد. قراردادهای شکیبی نیز چند ماه آنهم تحت فشار مردم، لفظ دوسه تایش اعلام شد اما حتی یک برگ از اسناد آنها برای خلق افشاء شده است. آن اسرار، گوشتی، از یکدست و در کمال اطمینان بدست "امیس" دیگر سپرده شده‌اند. تازه، آقای بازرگان، نخست‌وزیر، در نقطه روز چهارشنبه ۱۰ مرداد خود مریحاً ابراز می‌دارد که "اعلی‌الین قراردادها برای ما لایردن سطح رفاهی، فنی و دفاعی مملکت بوده" (واقعا چه گواهی "حسن رفتاری" از این بهتر که آقای بازرگان به رژیم شاه میدهد که اغلب قراردادهای او با امپریالیستها به نفع مملکت بوده!) (مقایسه کنید - قراردادهای ایفاء شده بیشتر برای لوازم بدکی این تسلیحات است که ما داریم و بطور مستمر ما به این لوازم احتیاج داریم و گرنه ۴۰ میلیارد دلار تسلیحات ما بی‌شمر می‌شد.

واقعا با این مومیکیری‌های مریح چه کسی میتواند در سنگبری هرچه بیشتر این دولت بسوی وابستگی به امپریالیسم و فئدیتان با انقلاب مردم ستمدیده ما نزدیک‌تری داشته باشد؟

همینجا باید پرسید که کدام وجه مشترک بین دولت موقت جمهوری اسلامی و جنبه ملی ساندنیستها وجود دارد؟ و آیا آنچه رادیو تلویزیون درباره انقلاب نیکاراگوئه و "شاهت" آن با وضع ایران میگویند، جز تحریف و خیانت به خلقهای ایران و جهان نام دیگری میتوان داده باشد؟

اند، روز دیگر جاسوس‌پرویز دیگر منحرف و عمال خارجی و تجزیه‌طلب و روز دیگر عامل به آتش‌کشیدن خرمینها، و البته همه این همه برای موجود آوردن ثوابی است که طی ۲۲ ساعت فاشه، هم‌شان را بخواهند... (۱)

کافی است یک نگاه اجمالی به برخی از موارد برنام به جنبه آزادیبخش ملی ساندنیست برای نیکاراگوئه جدید (مندرج در آیندهگان ۱۰ مرداد جاری) ببینیم تا معلوم شود که نظمه نظرات دولت انقلابی نیکاراگوئه و دولت به اصطلاح انقلابی ایران چقدر با هم تفاوت دارند - تفاوتی از زمین تا آسمان. آنوقت معلوم خواهد شد چرا رادیو تلویزیون انحراف‌گران قدرت، این چنین، حتی انقلاب خلق نیکاراگوئه را نیز جل مال میکنند.

برنامه ساندنیستها میگوید:

۱- ما از تمام اموال خاندان سوموز سلب مالکیت میکنیم - خلق به کمک این موسسات (سلب مالکیت شده) به سود خویش، به امر تولید خواهد پرداخت، کارگران و کارمندان موسسات نامبرده در کنترل و اداره امور این موسسات شرکت خواهند کرد.

۲- آبا خلق ما از کم و کیف اموال هنگفت - "مما دره" شده "خاندان پهلوی و ثروت‌های انشاهی اعوان و انصار و سرسپردگان رژیم سابق که هم چنان در دست صاحبان باقی مانده خبری دارد؟ آیا خلق چیزی از آنها میداند تا بخوان از مشارکت خلق در اداره آنها بسود خویش سوال کرد؟ اما "رهبران واقعی نیکاراگوئه و ارتش ساندنیستها و کمیته‌های دفاع شهری... قصد دارند همه قدرت را به خلق تفویض کنند چه از نظر اقتصادی و چه از نظر سیاسی" (نقل از مقاله لوموند در آیندهگان ۱۰ مرداد)

۲- ما انقلاب ارضی خواهیم کرد. (زمین‌های مما دره شده) بین دهقانانی که بی‌زمین‌اند و تمام کسانی که مالند روی زمین کشت‌کار کنند تقسیم خواهند شد. (۲)

۳- آبا دولت موقت انقلاب اسلامی چنین کاری کرده یا برعکس دهقانانی را که خود و بر ق، زمینهای بزرگ مالکان و خانواده سلطنت را کشت کرده بودند از زمینها بیرون کرده است؟ اینها از دهقانان ستمدیده، ترکمن محروم... باید پرسید!

(۱) - اما در نیکاراگوئه: "شرکای اقتصادی دولت که مخالف سوموز بودند... اینک در تلاش گرفتن اعتبار از نزد خارجیان اند تا در بازاری برای ملی سهم شوند. البته این زمانی میتواند عملی شود که تضمین لازم را از جانب رژیم جدید دریافت دارند. ملاشی وجود دارد که رژیم کنونی قصد دادن این تضمین را ندارد."

(۲) - آیندهگان ۹ مرداد، ترجمه مقاله ای از لوموند درباره نیکاراگوئه

(۳) - توجه خواننده عزیز را به این نکته جلب میکنیم که آوردن برنام به انقلابی جنبه ساندنیستی و مقایسه آن با برنامه دولت ایران الزاماً به معنی تأیید ما از برنام به جنبه ساندنیستی نیست، و ما به نوائین این برنام به صحت نمی‌گذاریم

جمهوری دمکراتیک خلق ولذا حل صحیح و انقلابی مسئله ملی و عدم تبلیغ و ترویج آن در بین توده‌های زحمتکش، انداختن توده‌ها بدامان سازشکاران و ناپه‌گر- آن در امر جنبش ملی خلق کرد است که در نهایت حاصلی جز شکست و تلنگاری برای توده‌ها را در بر ندارد چیزی که خود شورای هماهنگی بدان اذعان دارد:

"از آنجا که توده زحمتکش کرد به سبب شرایط تاریخی خویش نتوانسته است آگاهی و شکل لازم را داشته باشد، بالطبع نتوانسته است رهبری مبارزه مسلح را بدست آورد و با در دست خود نگهدارد، گاهی امیران و فئودالها زمانی روحانیون و رهبران مذهبی و نیز گاهی بورژوازی ضعیف ملی در رأس جنبش قرار گرفتند" می-شورای هماهنگی جمعیت‌ها این موضوع را خوب می-بهند، ولی بنظر می‌رسد که در سببی لازم را از آن فراموش کرده است. باز هم به کلی‌گویی و ابهام افتاده است: "با توجه به این تجربه تاریخی و موارد فراوان مشابه آنست که شورای هماهنگی جمعیت‌های کردستان مبارزه در راه رفع ستم ملی را جدا از مبارزه در راه برقراری عدالت اجتماعی و استمرار دگرگونی واقعی در سرتاسر ایران نمی‌داند. مبارزه با غاصبین حقوق ملی نمیتواند جدا از مبارزه بر طبقه ارتجاع داخلی کردستان باشد" و طبعاً صحبت از دگرگونی واقعی نمی‌تواند، اما بهینیم منظور از دگرگونی واقعی چیست؟ در پاراگراف آخر صفحه ۱۳ طرح چنین آمده است: "این انقلاب باید مبارز آزادانه نماند بلکه و اراده تمام مردم ایران را آنچنان میسر سازد که جوهر دگرگونی، یعنی تحقق حکومت اکثریت و امکان مخالفت اقلیت تأمین و تضمین گردد". (تأکید بر روی جملات از ماست). ولی مفهوم دگرگونی برای م. ل. ه. در سیستم جمهوری دمکراتیک خلق چیست؟ در چنین سیستمی دیکتاتوری دمکراتیک خلق به اجرا در می‌آید یعنی دگرگونی برای خلق و دیکتاتوری برای ضد خلق. اما "اقلیتی" که رفقا در طرح خود مختاری امکان مخالفت را تأمین و تضمین کرده‌اند چه ماهیتی دارد و در صفت بندی خلق و ضد خلق چه مقامی را داراست: روشن است که این "اقلیت" در صف خلق قرار نمی‌گیرد چرا که در چنین صورتی موضع اقلیت داشت بئی معنی خواهد بود، در نتیجه این "اقلیت" الزاماً موضع ضد خلقی خواهد داشت، لذا نه تنها پرولتاریا بلکه یک نیروی دمکرات نیز هیچگاه نمیتواند و نباید منافع چنین جناحی را تأیید و تضمین نماید. با این توضیح باید پرسید: "شود آیا چنین برداشتی از دگرگونی استثنای لبرالی نیست؟

سخنرانی رفیق آدپوش خود مختاری برای کردستان بر زمینه دیکتاتوری بورژوازی دوسراسر ایران و صله ناهمگون است

رفیق مرتضی آدپوش سخنان خود را با ارزیابی کوتاهی از سیاستهای دولت و هیئت حاکمه ، طی شش ماهی که از قیام بهمین میگذرد آغاز کرد و ابتدا ضمن تشریح علل شرکت ۷ گروه و سا زمان ائتلافی از جمله سازان ما در مورد " مجلس خیرگان " گفت :
" طرح قانون اساسی و انتخابات مجلس خیرگان " بر خلاف آنچه که تمامی تبلیغات دستگاه حاکم سعی می کند جلوه دهد ، نقطه عطف و گذار از یک سیاست موقتی به سیاستی کاملا متفاوت نیست بلکه حلقه ایست از زنجیر سیاستی که ما هجاساتی از طرف طبقات حاکم دنبال می شود . رفیق در ادامه سخنان خود ضمن اشاره تصویری از عملکرد ششماهه هیئت حاکمه به افشای مواضع دولت در مورد کارگران و دهقانان پرداخت و سپس با تاکید بر لزوم حل مسئله ملی یاد آور شد که از نظر دولت " خود مختاری برای کردستان بر زمینه دیکتاتوری بورژوازی دوسراسر ایران ، صله ناهمگون و نامتناسبی خواهد بود . از این رو در برابر ابراج جنبش خلقهای ایران و در پیشاپیش آنها خلق کرد ، پاسخی جز سرکوب ، ریاکاری و تسویه ندارد . وقتی با پیشروی تمام " قاده موقت " را میمان دولت می خواند "

خلاصه سخنرانی رفیق ابراهیم نظری

جمعیت شعاری داد :

کارگر قهرمان ، درود خلق ایران بر توباد

رفیق نظری در میان احساسات جمعیت شروع به سخنرانی کرد و پس از اشاره به دانشگاه بعنوان سنگر مبارزه ، سخنانش را با این سؤال آغاز کرد : که " در سالهای گذشته چه طبقه ای ستم دیده ترین طبقه بود و در فلاکت بارترین وضع زندگی می کرد . . . " او سپس به رنجی که طبقه کارگر تحمل می شد و در مقابل کترین دستمزدها را می گرفت ، اشاره کرد و گفت : قبل از سال ۵۰ حداقل دستمزد کمتر از ۲ تومان و در سال ۵۷ حداقل آن ۲۱ تومان بود . . . دیگر نمی توانستیم به آن شیوه سابق زندگی کنیم و دیدیم که بر اساس همین تلاحتی های زندگی چگونه مبارزه ما کارگران و همچنین دهقانان و زحمت کشان شهری آغاز شد . بدیاد باوریم اعضا باات خوین و شکوهمند کارگران مبارز جهان چیست را در سال ۵۰ و ایرانا و لندنور و در سال ۵۳ ، نساجی شماره ۲ شاهی در سال ۵۴ و نساجی اصفهان در سال ۵۵ و کارخانجات نساجی باقار ، چیتری ، ممتاز و چوند

هیتینگ روز پنجشنبه ۱۱ مرداد ماه چگونه برگزار شد؟

" مالکیت شخصی که از او مشروع بدست آید محترم است و حدود آن را قانون معین میکند ."

" هیچ ملکی را نمیتوان بعنوان نیاز عمومی از صاحبش گرفت . مگر با تصویب قانون و پرداخت قیمت عادلانه آن ."

" دادن امتیاز تشکیل شرکت ها و موسسات عمومی و اعطای امتیاز انحصار در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن از طرف دولت ، بدون تصویب مجلس شورای ملی ممنوعست ."

" استخدام کارشناسان و مستشاران خارجی از طرف دولتی در حد امتیاز و بضرورت باید بتصویب مجلس شورایی برسد ."

آری ، نظاری که ما کارگران و زحمتکشان داشتیم . یعنی انتظار قطع کامل سلطه نفوذ امپریالیسم امروزی بر عکس آن عمل میشود و پیش نویس قانون اساسی راه را برای بازگشت انحصارگران و تحکیم موقعیت آنها ، یعنی تحکیم چنگالهای آنان بر گردن مردم زحمتکش ما باز میکند در مورد حقوق ما کارگران نیز وضع بهتر از این نیست بش از دو میلیون کارگر بیکار ، هنوز کاری پیدا نکردند گرسنگی و بیماری خود و خانواده آنها را تهدید می کند . اعتراضات آنها با گلوله و تفنگ پاسخ گشته می شود و پسا توصیه می شود که صبر کنید ، ما باین زود بیا می توانیم

رفیق نظری : دیگر نمی توانستیم به شیوه سابق زندگی کنیم . . .

• کارگران آگاه و مبارز ، یکسال و نیم در آتش و خون

• کافی نیست که سلطنت را به زبانه دان انداخته باشیم

• خیانت های حزب توده

• پیش نویس قانون اساسی راه را برای بازگشت انحصارگران بازمی گذارد .

خرابیها را جبران کنیم . ما کارگران پاسخ داده میشویم که شما کم حوصله هستید . صالح ملی را در نظر نمی گیرید و فکر مادیات هستید . واقعا که شرم آور است . ما شکم گرسنه را تحمل کنیم ، فشار و قرض و قوله ها را تحمل کنیم . در مقابل خواسته زن و فرزندان خود سزاقتند ه باشیم . اما سرمایه داران از میلیارد میلیارد اعتبارات و وام های دولتی برخوردار شوند ، همین دیروز بود که روزنامه ها نوشتند : نزدیک ۲ میلیارد ریال کمک به صاحبان صنایع یعنی سرمایه داران پرداخت خواهد شد . این دوسمین باری بود که به سرما به داران از جانب دولت کمک می شود . . ."

رفیق در اینجا به پیش نویس قانون اساسی اشاره کرد و چنین گفت :

" در پیش نویس قانون اساسی هم ، سرما کارگران را خواسته اند شیره بلدان ، آنها نوشته اند که ما مخالف استثمار هستیم و لیکن سرمایه داران هم چنان میخواهند سرمایه دار باشند و هیچکس حق تعرض به آنها را ندارد . . . دولت از مالکین در مقابل دهقانان دفاع می کند . با فئودالها و اربابان دست های ارتجاعی نظیر قیاده موقت عملا طبع دهقانان و حلقهای زحمتکش ما متحد می شود . شوراها و اتحادیه های دهقانی را سرکوب می کند و دست فئودالها را بجان و مال آنان بازمی گذارد ."

رفیق در مورد ارتش به نمونه هایی اشرار کرد و گفت :

" . . . چریکهای نیکاراکوه ارتش سوموزا را داغان کردند ، متلاشی کردند و با اتکا بر سازماندهی و نیروهای چریکی خود یک ارتش خلقی از رزمندگان خلق نیکاراکوه یعنی از آنانی که در مبارزه تاریخی شان در مقابل ارتش مزدور سوموزا ایستادگی کرده بودند ، درست کردند مثل دولت موقت اینجا که فقط عناصر شناخته شده شان را اعدام و با بازنشسته کرد ولی ترکیب آن را بهمراهی که بود حفظ کرده و برای سرکوبی خلق کرد و ترکن و جاهای دیگر آماده نمودند . هتگی می دادیم شاکر جا نشین فرید چه شخصیتی در نظام طاغوتی گذشته داشت و امروز چه پستی را باو داده اند ."

او سپس سخنان خود را چنین ادامه داد :
" بما میگویند در کجای دنیا پس از انقلاب چنین آزاد بهائی وجود داشته است ؟ اتفاقا ما هم همین سؤال را از دولت داریم . . . چرا این آزادی را به سرمایه داران داده اید ، چرا اینقدر آزادی به زمینداران و

صد کارخانه های دیگر را در تهران . دیدیم که کارگران آگاه و مبارز ، که در شرایط سخت و سیاه سلطنت شاه خائن با نهایت فداکاری همراه با نیروهای خلقی جامعه مان ، دهقانان و زحمتکشان شهری و روشنفکران انقلابیان ، مبارزه را آغاز کردند دیدیم که کارگران آگاه و مبارز در یک سال و نیم اخیر در میان آتش و خون در پیشاپیش دیگران شهادت و مجروح شدن دهها رفیق و هم روز کارگر خود را در مقابل چشمان خود دیده اند . . . دیدیم که کارگران در مدت یکسال و نیم اخیر همراه با نیروهای خلقی جامعه مان زندگی آرام را بر سرمایه داران و مستگمران جامعه تنگ کرده و پشت سر هم در اثر جانبازی خود آنان را از ایران فراری می دادند ."

رفیق سپس اشرار کرد که :
" خواسته های ما در چیز بود یکی استقلال ، یعنی اینکه تمام استعمارگرهای خارجی و نوکران داخلی شان را از ایران بیرون بریزیم ، خواستی که در پیش نویس قانون اساسی خبری از آن نیست ، بلکه برعکس تضمینهای لازم و کافی بآنها داده شده است و دیگر آزادی و دموکراسی آن موقع این چیزها را اغلب با احساس می کردیم ولی هنوز خوب نفهمیده بودیم و هر چه بیشتر می گذرد بهتر می فهمیم . اما امروز چه شده است . . . می بینیم کمتنها از مبارزه ، حاصلی که برای ما کارگران و زحمتکشان مانده است ، همان خونها ، همان شهادت و همان کوششها و تلاشهاست . خواسته های اساسی و ریشه ای ما نند ، خواسته های جزئی همچنان بفراموشی سپرده میشود و پشت گوش انداخته می شود . مبارزات حق طلبانه و نموسالمت آمیز ما در بسیاری موارد با گلوله و خشونت پاسخ داده می شود . . . برداری و تلویزیون ساز نسو را حاکم شده ، به مطبوعات تبه احزاب و جمعیت ها از طرف دستجات مختلف وابسته به هیئت حاکمه حمله می شود و دولت نیز با سکوت ، آن را نظاره می کند ."

ما می بینیم بجای قطع سلطه و نفوذ امپریالیستها ، بجای افشای کامل قرار داد های محرمانه بجای سرکوب قاطع کلیه وابستگان به امپریالیسم و رژیم سابق ، با آنها با معاشات و سازش رفتار می شود و حتی زمینه چینی می شود تا نفوذ امپریالیتم را در ایران تحکیم نموده و بازم هم همین ما را به خون بغمای انحصارگران و دزدان و جنایتکاران بین المللی تبدیل نمایند . در اصل ۴۰ ، ۴۱ و ۴۲ پیش نویس قانون اساسی می خوانیم :

قانون اساسی باید حافظ منافع زحمتکشان باشد ، نه سرمایه دار

آقای چمران کیست؟

این دولت را چنین معارفی سزاست، اما این انقلاب را...؟

بهران و کادریهای انقلابی و سازش‌ناپذیر مقاومت فلسطین متوجه گردید. او که ابتدا به اصلاح برای مشارکت و همکاری با مردم فلسطین به لبنان آمده بود چند هفته گذشته بود که به توده‌های مستعبد و آواره فلسطین ناز می‌گفت و آنها را بی‌شمن و مستحق چنانسان و ضعیفی می‌دانست!

دکتر چمران هرگز حاضر نشد ۳ غوغا ساواک را که در دستگاه موسی صدر نفوذ و به‌عنوان کارمند زیر دست چمران کار می‌کردند از کار اخراج کند و علیه آنکه ثابت شده بود که آنها غوغا ساواک هستند و در جنوب لبنان نه فقط علیه مبارزین ایرانی بلکه علیه فلسطینی‌ها و به نفع اسرائیل همفعا فعالیت می‌کردند. چمران حاضر شد حتی آنها را افشاء کند و با بدست انقلابیون فلسطینی بسیاری تا حایبان را برسد. حتی جنایت‌نا موسی یکی از آنها علیه یک دختر روستایی را سرپوشی گذارد و نیز مانع شد که همین فردا او (موسوم به جعفر اهمل کاشان که در آن مدرسه فعالیت می‌یافت) در رابطه با زیر گرفتن یک پسر لبنانی و کشته شدن او به زندان بی‌افتد. او در شرایطی که نبرد سرنوشته‌ها و نیروهای مترقی لبنانی و فلسطینی از یکطرف و اسرائیل و فائولتیستهای لبنانی از سوی دیگر جریان داشت، زمانی که شکر کتاریستی مبنی بر دسته بندیهای ظاهری و مذهبی لبنان را چون خوره می‌بخورد و درودست‌های فاشیستی "امل" را بدستور موسی صدر براه انداخت. وظیفه این گروه "امل" چه بود؟ کارشکنی در راه انقلاب فلسطین، اما دگر بی‌درگمی با نیروهای مترقی لبنان، همکاری با فائولتیستها، تاشید و استقبال از تهاجم وحشیانه سوری به مقاومت فلسطین در ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) که سقوط محله "الشمع" بدست مهاجمین سوری و فائولتیست‌ها با خیانت گروه "امل" امکانپذیر شد. گروه "امل" که ماهیتش بر مردم مستعبد شیمه جنوب لبنان افشاء شده بود. مورد تنفر نیروهای مبارز جنوب بود و هرگز نتوانست در کارش پیشرفت‌های داشته باشد و با بحورت یک نیروی قابل ملاحظه در آید و حالا که در نتیجه فشاری مردم لبنان در آنجا کار از دستش برنمی‌آید راهی ایران گشته و با استفاده از راه‌پیمایی‌ها به تبلیغ برای خود می‌پردازد. برای چمران گمانگهان و با برکت‌ناگامی این "انقلاب" به مقابله نشینی صمیمی و... رسیده. مسئول آموزش ناسی به نیروهای فاشیستی دست راستی است. برای سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیستها آماده گردید.

اما رویاهای آقای چمران و هم‌دستان و اربابان او هر چند که بکوشند تا به آخر خمیر نخواهد شد. فانوس ارتجاع و فرصت طلبی در برابر طوفان انقلاب دوامی نتواند آورد. همانگونه که در گذشته نیز با یکبار این حضرات هرگز نتوانست انقلابیون ایرانی را که ناگزیر به خارج کشور بودند و علیه رژیم شاه مبارزه می‌کردند، بفریبند.

آری، فشاری شکست و ماسی ریخت و جهان بکام کاسه لبنان گشت. مردم ایران قیام کردند و انقلاب را در قدمهای نخستین به پیروزی رساندند اما در آن کمین کرده، از راه سر رسیدند، زدانی که بنا به ماهیت طبقاتیانشان - اگر از اول هم آلت دست نبودند - سر انجام راه خود را در دامان امپریالیسم، در صف ضد خلق می‌جویند و جستند.

حالا چمران در ادامه اقدامات گذشته‌اش به مربوطان رفته است، نه برای قبول و حل مشکلات مردم (که لایقش نیست) بلکه برای تهدید و سرکوب. او شورای منتخب مردم را به رسمیت نمی‌شناسد، دارو دسته جیره - خوار "قیاده موقت" را میهمان ایران می‌داند و به مردم بدلوم اظهار می‌دارد که برای رزم و هم برای بزم آمده است. او گمان می‌کند که در دوره مسئول زندگی می‌کند که پس از رزم با مردم مستعبد فلسطین به بزم بنشینند و به سبک قدیم از کاسه سر دشمن (مردم) جام بسازد. باید پرسید چه کسی قیاده موقت را میهمان می‌داند. قیاده موقت که چماق فتودالها، چماق ارتجاع منطبق بر سر خلق کرد و همدست‌ها شده بودند چگونه میهمان ایران است. شاید آقای چمران و همکاران او چنین می‌پندارند که ایران یعنی دوستان. این خیال خام را توده‌های مبارز از سر ایقان بسدر خواهند آورد. خلق کرد می‌رزد، خلقهای مستعبد دیگر دست در دست آنها علیه امپریالیسم و ارتجاع و هرگونه حق‌کشی می‌رزند. پیروزی این رزم، رزم توده‌ها، قلمی است.

انقلاب امپریالیستی و حق طلبانه خلقهای مستعبد ما قدمتهای را بسوی رهائی برداشته اما بدلیل ضعفهای درونی جنبش و توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع، سرکار مردم رنج کشیده ما با کسانی افتاده که بوشی از انقلاب نبرده‌اند، مخالفتشان با رژیم سابق مرفعا لیبرالی و فرصت طلبانه بوده و حالا که فرصت بدستشان افتاده جناباتی مرکب می‌شوند که دل‌شاه و اربابانش را شاد می‌کنند.

مسئله حقوق ملی خلقهای ایرانی و حادثه‌ها هم حقوق خلق کرد امروز در معرض توطئه‌های گوناگون برای سرکوب آن است. اگر این در استوار کردستان که سالیان دراز است برای نیل به آزادی و حقوق ملی مبارزه می‌کند، بدست ارتجاع و عمال مرثی و نامرثی امپریالیسم فتح شود، راه برای سرکوب دیگر نیروها و خلقهای حق طلب ایران باز میگردد.

خلق قهرمان کرد ملی ماههای گذشته در سنجاد و ننده و... و بالاخره میروان در برابر ارتجاع مقاومتی که نظیر کرده است و هرگز جز در راه حق تعیین سرنوشت خویش و همگام با دیگر خلقهای ایران، جز در چهارچوب تمامیت‌راهی ایران قدمی برداشته، اما دولت مرکزی در با فریب و نیرنگ و تهدید و کشتار با آنها روبرو نگشته است. آخرین چشمه این توطئه‌ها و نیرنگهای دولت مرکزی ارسال مصلحتی چمران معاون نخست‌وزیر برای مذاکره با توده‌های کرد در میروان است. واقعا به سر نوشت چنین انقلابی باید گریست که پس از آنهمه مبارزات و فداکاریها، حالا سرکارش با کسانی نظیر چمران است که اصلاح برای باند مرتجع و فاشیست خویش و حامیان داخلی و خارجیانشان حتی قائل نیست. از طرف دولت کسی برای حل و فصل مشکلات کردستان اعزام می‌شود که اصلا چیزی بنا حقوق ملی خلق کرد را قبول ندارد، کسی به آنها می‌رود که ده‌ها علامت سوال روی فعالیت‌های گذشته او در خارج از کشور باید گذاشت، که یکی از نمودهای آن فعالیت‌های چندساله او در لبنان است. او با سفیر سابق شاهنشاهی "آریا مهر" در لبنان بنام آتشبانی درستی و مراوده داشت و اکنون از برکت همان مراوده‌ها با چمران و دکتر بزدی (همدست قدیمی چمران) است که آتشبانی با وجود خدمت چندساله‌اش به شاهنشاهی محدوداً در وزارت خارجه کار می‌کند و حتی ریاست هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس اسلامی "فاس" را نیز چندی پیش عهده‌دار بود. این از معجزات دوست‌سازی و از خاندان غالب‌کنند آریا مهر است که آتشبانی بجای محاکمه در دادگاه خلق، امروز در پست سفارت جمهوری "انقلابی" کار می‌کند.

او در سالهای گذشته هنگامیکه می‌شد مستشاران امریکایی چه بدست سازمان مجاهدین خلق و چه بخش منشعب از آن اعدام انقلابی شده‌اند، ناراحت‌شده اظهار می‌داشت که این کارها برای امریکاییها مقبول نیست. (مثل اینکه انقلابیون ایران باید کاری می‌کردند که برای امریکاییها خوشایند باشد!) دکتر چمران با مفا حاشی ریش خیرگزاری یا رس در بیروت که در زمان شاه، فاشیستی ترسین تفسیرهای خبری را علیه انقلابیون لبنانی و فلسطینی و نه نفع اسرائیل و فاشیستی دست راستی لبنان به ایسراون مغایره می‌کرد، دست بود.

دکتر چمران بنا به تصدیق مکرر مبارزین فلسطینی و لبنانی بارها به مهمانی سفارت انگلیس و آمریکا در بیروت دعوت می‌شد. و بارها مدرسه حرفه‌ای اش می‌سورد بازدید سفیر انگلیس (1) و سفیر آلمان غربی (2) قرار می‌گرفت. دکتر چمران از سال ۵۰ که ظاهر برای همکاری با موسی صدر و اداره یک مدرسه حرفه‌ای در جنوب لبنان به آنجا رفت، تا همین اواخر که بوداز مبارزه و بدگویی به انقلابیون راستین فلسطینی و نیروهای ملی و چپ‌لبنانی خودداری نکرد. او که زمانی اتوجه‌گر شام سازشکارهای موسی صدر با دست راستی‌های لبنان و با اتحادیون عرب از قبیل ملک فیمل و شاه مراکش بود وقتی دیگر این توجهات خریداری نداشت‌له نیز حمله خودی به سوی کمال جنبلاط (رهبر نیروهای مترقی و ملی لبنان) و سازمانهای چپ فلسطینی و حتی

فتودالها داده‌اید که در مقابل خواسته‌های دهقانان آنها را سرکوب کنند.

هم اکنون آقای چمران در کردستان چه می‌گوید؟ او می‌گوید: من هم برای بزم و هم برای رزم به کردستان آمده‌ام. اگر آقای چمران در گذشته به شاه خائن این را می‌گفت، با اگر امروزه به سرمایه داران بزرگ و فتودالهای بزرگ این را می‌گفت، اگر به بقایای نیروهای ساواک، که علیه نیروهای انقلابی شب و روز توطئه می‌کنند می‌گفت، من می‌گفتم آقای چمران از زبان ما سخن می‌گوید. ولی متأسفانه او اینها را به دهقانان تحت‌ستم کردستان می‌گوید و زبان اوزبان دشمنان ما است.

آنها (کارگران) حاج و واج می‌گویند چرا؟ زمان مبارزه ما کارگران و زحمتکشان مبارز بودیم و امروز شده‌ایم اغلال‌گر. آری، این تصور طبیعی است چراکه می‌بینند دیوار دشمنان آنها را دارند برای آنها تصمیم می‌گیرند و برنامه بریزی می‌کنند. با این تفاوت که این کارها در ظاهر بدست‌آمدهای بی‌اذهت و آزار و محترمی صورت می‌گیرد. چرا چنین است؟

برای پاسخ به این سؤال باید ببینیم دولت در دست کیست، طبقه زحمتکشان یا طبقه سرمایه داران؟ کافی نیست که مبارزه کرده باشیم، غوغا داده باشیم و کمر امپریالیسم را خم نموده و سلطنت را به زباله‌دان انداخته باشیم. مسئله مهم و تعیین کننده این است که قدرت را بدست چه کسانی داده ایم و با چه کسانی قدرت سیاسی را از دست ما برودماند... علت اینکه وضع کارگران تغییر اساسی نکرده است، این است که میوه انقلاب را دیگران، یعنی سرمایه داران مفتی‌ها یا چهره‌ای دیگر چیده‌اند. دولت سرمایه داران، هر نوع که باشد نمی‌تواند حامی منافع کارگران و زحمتکشان باشد. دولت سرمایه داران و ملاکان، دولتی که نماینده کارگران و زحمتکشان نباشد نمی‌تواند به خواسته‌های ما کارگران پاسخ گوید... آری، فقط دولت نماینده کارگران و زحمتکشان و سایر اقشار خلقی، یعنی دولت جمهوری دمکراتیک خلق (ست که) می‌تواند خواسته‌های ما را تحقق بخشد، نه دولت سرمایه داران... کارگران باید متحد شوند و در سازمان‌های صنفی و سیاسی خود متشکل گردند. حزب خود یعنی حزب طبقه کارگر را بوجود آورند. با با دهقانان و سایر زحمتکشان و نیروهای خلقی متحد گشته دولت خود را مستقر سازند... در عین حالیکه باید بر این استوار حکومت کارگران و زحمتکشان مبارزه ناقص، محجری زندگی برای گرفتن امتیازهای درستی بیشتری در زمینه آزادیها و حقوق سیاسی ادامه دهیم.

این را هم باید اضافه کنیم که دشمنان طبقه کارگر فقط در چهره کارفرما و صاحب سرمایه خود را نشان نمی‌دهند. هستند دشمنان طبقه کارگر که در لباس حمایت از این طبقه ظاهر شده و اوها و خرافاتی را به شکل گوناگون می‌پراکنند. کسانی که می‌خواهند این تصور را به کارگران غالب‌کنند که گویا کارگران می‌توانند تحت حکومت بورژوازی، به خواسته‌های خود برسند. آنها چهره سرمایه داران را بزرگ کرده و این طور تبلیغ می‌کنند که می‌شود فقط مثلاً با اعتصاب و اعتراض کارگران حقوق خود را بدست آورند. آنها ضرورت تشکیل دولت کارگران و زحمتکشان را نفی می‌کنند، آنها اینطور وانمود می‌کنند که دولت سرمایه داری حاضر است با خوش و بش و با گذشت و فداکاری حکومت را به نمایندگان کارگران و زحمتکشان تقدیم کنند. اینها همانهایی هستند که سالها در لباس حامیان طبقه کارگر، به این طبقه خیانت می‌کنند و او را به راه سازش و تسلیم با سرمایه داران و امپریالیسم می‌کشاند. اینها تنها نیستند، اینها انواع گوناگون دارند که باید بکوشیم آنها را بشناسیم. اما خطرناکترین آنها در جامعه ما طبقه دارو دسته خائن کمیته مرکزی حزب توده است. طبقه کارگر در مسیر مبارزه خود به امپریالیسم و سرمایه داران با این دشمنان رنگارنگ نیز باید مبارزه کند و آنها را از سر راه جابروپ نماید. این دو مبارزه، دو جز جدانشدنی مبارزه طبقه کارگر، در مسیر مبارزه‌اش با امپریالیسم و سرمایه داری است و جدا کردن این دو از یکدیگر چیزی جز شکست است. بدین جنبش انقلابی طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش نخواهد کرد.

سخنان رفیق انجم احمدی را در شماره آینده خواهیم آورد.

ان زمین داران بزرگ

سازمان چریکهای فدایی خلق، حاضر شد با قید اسم

از فزودهای پشتیبانی کند که بقصد جانها زدن به مجلس خبرگان میروند! آنها این سازمان حاضر نشد از کاندیداهای نیروهای م-ل صریحاً پشتیبانی کند!

و به ایجاد و تحکیم اغتشاشات فکری و اوام سیاسی ، نیروهای ناآگاه هوادار خود، یاری نمود. و با چنین سیاستی، دل روزبویزیستها و تروتسکیستها و اپورتو- نیست ها و سایر خاشین به طبقه کارگر و توده ها را شادو دشمنان طبقاتی آنان را در موضع خود ستوارتر گردانید. چرا که منصف ننمودن مرز میان خلق و مدخلق میان نیروهای واقعا انقلابی و انقلابی نماهای اپورتو- نیست ، میان روزبویزیستها و تروتسکیست ها و سایر جریانات انحرافی با نیروهای واقعا متعقدبه آزادی

انحصار طلبی در جنبش چپ انتقادی از سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

طبقه کارگر و توده ها فقط می توانست آت به آسیاب این جریانات انحرافی بریزد .
گروه اشتلائی ، (وسعداً ۷ گروه) علی رغم تمام اختلافات اصولی و سیاسی سازمان چ-ف-خ ، و بدون از نظر انداختن این اختلافات ، هدف خود را از پشتیبانی از کاندیداهای این سازمان چنین اعلام نمودند: "بخاطر پیشبردهدهای خود از شرکت در انتخابات" .
که همانا افشای این "مجلس" و شکستن توهم توده ها نسبت به آن و افشای ماهیت هیئت حاکمه می باشد. از کاندیداهای سازمان چ-ف-خ پشتیبانی می نایم .
این پشتیبانی علاوه بر ضرورت فوق ، همچنین می تواند جنبش چپ را در برابر حملات و شایعات نفرت افکنانه دولت و انحصار طلبان، حول یک عمل مشترک ، انسجام و استحکام بخشد. نیز جبهه دموکراتیکم انقلابی را در برابر بورژوازی حاکم تقویت نماید .
" اطلاعیه گروه اشتلائی روز شنبه) و سپس چنین نتیجه گیری می نمایند: " از این رو این پشتیبانی را که حداقل همکاری نیروهای چپ در این زمینه است طبقه خودانته ضمن اینکه از کلیه هواداران خود می خواهیم که از کاندیداهای سازمان چ-ف-خ حمایت و پشتیبانی نمایند. از تمام نیروهای مبارز و دموکرات و چپ خواستاریم که از کاندیداهای انقلابیون دموکرات و مارکسیست - لنینیست پشتیبانی نمایند" (هنا ج)
این موضع صریح علاوه بر اینکه منت محکم بردهان دموکرات نماها ، اپورتوئیستها و منحرفین از مارکسیسم - لنینیسم است که هدفشان از شرکت در "مجلس خبرگان" نه از یک موضع انقلابی و افشای رژیم ، بلکه کسب موقع قدرت در دولت و رژیم فدا انقلاب کنونی می باشد. به تقویت جناح چپ انجام میدهد ، امکان تحقق اهداف آنان را از شرکت در "مجلس خبرگان" میسر میگرداند .
سالمات سازمان چریکهای فدایی خلق خود را "تما- بنده" جنبش کمونیستی میداند، سالمات که میگوید از طریق گسترش سازمان " خود " به " حزب طبقه کارگر " دست یابد، سالمات که با مواضع خود مرکز بینانسه و تنگ نظرانه این سازمان آتش کشید و در اینجا بسیار برای بار دیگر شاهدیم که این سازمان چگونه بطرز درستی از موضع گیری صریح در قبال نیروهای انقلابی م-ل میگزیرد، و نه فقط صریحاً و بر اساس یک سوز- بندی اصولی و مارکسیستی - لنینیستی (اگر موجود باشد) خارجیه اختلاف و همکاری با آنان نمیشود، بلکه پس از کش و قوسهای بسیار این پشتیبانی را به شکل مضحک و میثذلی که توضیح دادیم ، اعلام میسازد.

انحصار طلبی در جنبش چپ انتقادی از سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

همکاری و با پشتیبانی سازمان چ-ف-خ ، بر اساس درک یک ضرورت سیاسی ، بطور یکطرفه و سیدریدخ از کاندیداهای این سازمان ، پشتیبانی نمودند .
این حرکات سیاسی ، بدون شک نمی توانست ششالات و ابهامات توأم با انتقاداتی را در ذهن نیروهای انقلابی و هوادار طبقه کارگر نسبت به موضع این سازمان ، ایجاد ننماید. چرا که این پشتیبانی فقط بطور یکطرفه ، از جانب شش گروه سیاسی اشتلائی صورت گرفته است؟ و چرا سازمان چ-ف-خ این پشتیبانی را بدون پاسخ گذاشته است ؟
بند بازی مضحک!
این سوال و ابهام بدرستی از یک واقعیت عینی سرچشمه می گرفت ، واقعیت گرایشات خود مرکز بینانسه و انحصار طلبانه سازمان چریکهای فدایی خلق . این سازمان نمی توانست نسبت به حرکات سیاسی و شولات ، ابهامات و انتقادات ایجاد شده در ذهن نیروهای انقلابی و هوادار طبقه کارگر و اصحاباً فشارهای وارده از " پاشین " یعنی از سوی هواداران این سازمان ، بی- اعتنا باقی بماند و بی توجه بکوت این سازمان حتی به نفع خود این سازمان نیز نمی توانست باشد. روز دوشنبه این سازمان به ناچار موضع سکوت خود را شکست و طسی اطلاعیه ای سراسر اسهام و گنگ اعلام داشت که از کاند- بداهای سایر نیروهای انقلابی و فد امیربالیست و هوادار طبقه کارگر " پشتیبانی می نماید (نصدای آزادی ، دوشنبه ۸ مرداد) بدون اینکه مشخص نماید که این سازمان چه نیروهای را " انقلابی و فد امیربالیست و هوادار طبقه کارگر " می داند!
مضمون اطلاعیه در عین اینکه ذر وری خود ، جا پای فشار شولات و انتقادات وارده از سوی نیروهای انقلابی و م-ل و هوادار و نیز اکراه و اجبار این سازمان از پذیرش پشتیبانی کلی از نیروهای فوق الذکر را بخوسی نشان میداد ، اما متقابلاً بر شولات و ابهامات یاد شده همچنان می افزود .
بدون شک این سوال و شبهه برای آن دسته ازها- داران ناآگاه این سازمان و نیز آن دسته از هواداران ناآگاه جریانات انحرافی در جنبش کمونیستی ، که نه عمدتاً بر اساس یک وحدت سیاسی - ایدئولوژیک ، بلکه اغلب از مواضع غیر سیاسی و حتی لبرالی فکری از موضع مخالفت با رژیم حاکم ، به هواداری از این سازمان و جریانات انحرافی جنبش کمونیستی برخاسته اند بوجود می آمد که " سازمان چریکهای فدایی خلق " چه نیروهای را " هوادار طبقه کارگر ، انقلابی ، و فد امیربالیست " می داند ؟
این دسته از هواداران و توده های " پاشین " بدون شک بنا بر ناآگاهی و انحرافاتشان ، و بدون اینکه هیچگونه کار آگاهانه و جهت داری از سوی " بالا " صورت گرفته باشد ، براحتی میتوانستند ، رای های خود را به نفع جریانات انحرافی ، روزبوی- نیستی و اپورتوئیستی ای ، که با خود ناآگاهانه ، به دنباله روی از آنها پرداخته بودند و با هوادار خود سازمان بودند اما نمی توانستند مرز میان نیروهای انقلابی م-ل و جریانات انحرافی بکشند در صدوقهای رای بریزند. بدین ترتیب این سازمان در این اطلاعیه خود نه تنها هیچگونه مرز بندی با جریانات انحرافی در سطح جنبش کمونیستی ننمود، بلکه با مشخص نکردن جریانات واقعا انقلابی و فد امیربالیست و هوادار طبقه کارگر از این جریانات انحرافی ، بنه تحکیم این انحرافات ، به تشلیت ناآگاهی هواداران آنها

انتخابات مجلس " خبرگان " پس از یک هفته فعالیت های تبلیغاتی و افشاکرانه گروهها و نیروهای مختلف شرکت کننده ، از مواضع و با انکیزه های گونا - گون ، بالاخره به پایان رسید. درحالیکه سؤال بزرگی که از همان ابتدا ، در پیش روی نیروهای انقلابی م-ل و هوادار طبقه کارگر قرار داشت ، کماکان خودنماشی میکند ، چرا که سازمان چریکهای فدایی خلق ، در جریان انتخابات و با توجه به اهدافش از شرکت در انتخابات (که صریحاً اعلام کرده بود) حاضر به همکاری با نیروهای م-ل و هوادار طبقه کارگر نگردد و با حداقل به پشتیبانی صریح از کاندیداهای انتخاباتی این- نیروها دست نزند ؟

سازمان چریکهای فدایی خلق ، مانند همیشه ، قبل از و بدون هیچگونه شور و هیجان با نیروهای انقلابی م-ل ، علیرغم اصرار و فشارهای آنها ، اقدام به شرکت در انتخابات و تعیین نماینده خود نمود .

"صلاح" روز، تعیین کننده تاکتیک

این سازمان " صلاح " خود را در این دانست که بدون هیچ توضیح و قید و شرطی ، حتی به ازای دور افتادن از اهداف مورد نظر خود از شرکت در انتخابات ، از برخی کاندیداهای دموکرات و نیمه دموکرات پشتیبانی نماید اما در همان حال نه فقط پیشنهاد گروه اشتلائی را مبنی بر اشتقاق در این زمینه عملی مشترک نپذیرفت ، بلکه به حداقل خواست آنها دایر بر پشتیبانی صریح طرفین از کاندیداهای یکدیگر و قسمی نهاد .
و بدین ترتیب عملاً نشان داد که نسبت به نیروهای انقلابی م-ل ، علیرغم فریادهای وحدت طلبی خود ، عملاً بی اعتنا و بی تفاوت بوده و همکاری با نیروهای دموکرات و نیمه دموکرات ، اما " صاحب قدرت " را بر آنها ترجیح می دهد . و این عمل در زمانی صورت می - گیرد ، که ارتجاع سبانه ترین حملات و تهاجمات خود را هیستریک وار بر علیه نیروهای چپ (م-ل) از مدتها پیش آغاز نموده و بطور روزافزونی ادامه میدهد .
حیاتیست قید و شرط و بی دریغ این سازمان از کاندیداهای برخی نیروهای دموکرات و نیمه دموکرات ، در عین حال نشان داد که این سازمان از اهداف مورد نظر خود از شرکت در انتخابات (افشاکرانه ماهیت مجلس خبرگان و ماهیت هیئت حاکمه و شکستن توهمات توده ها...) بدون افتاده است .

این سازمان از عنایری پشتیبانی می نمود که علیرغم عمومی فد امیربالیستی شان ، کارنامه سازش آنها در این شش ماهه بر هیچکس پوشیده نیست . این سازمان به قصد افشاکرانه و کار آگاهانه در میان توده های مردم در انتخابات شرکت میکند ، اما از کسانی پشتیبانی میکند که بر توهم توده ها نسبت به "مجلس خبرگان" و هیئت حاکمه می افزایند ، از کسانی که نسبت به جنبش کمونیستی که در آنها بطور تلویحی و بسیار موقع توهمات خود بورژوازی خودشان (بلکه صریحاً به نیروهای چپ حمله می برند و به تشلیت مسموم کننده بر علیه آنها دست می زنند .

سازمان چریکهای فدایی خلق باید این را درک می- کرد که این عناصر نه برای افشاکرانه (اگرچه در صورت راء یابی آنها به مجلس ، امکان اصطکاک میان آنها و نمایندگان وابسته به هیئت حاکمه وجود دارد و بسیار هم وجود دارد) ، بلکه برای چانه زدن بر سر این بنا - آن ماده و بند از قانون اساسی ، و اصلاح همان بیست- نویسی قانون اساسی ، در انتخابات شرکت جسته اند. هدفی که دقیقاً منافی با اهداف اعلام شده این سازمان از شرکت در مجلس خبرگان می بود ، هدفی که بر توهمات توده ها نسبت به ماهیت مجلس " خبرگان " و هیئت حاکمه می افزود و سازمان چریکهای فدایی خلق نیز با این پشتیبانی بی دریغ خود بر این توهم صحنه می گذاشت و این درست در زمانی بود که این سازمان از پشتیبانی صریح خود از نیروهای شیکه از شرکت در انتخابات ، همان اهدافی را دنبال می کردند که در مجموع خود بر اهداف اولیه آنها تطابق داشت ، خودداری نمود .

این سازمان روز دوشنبه اول مرداد ، در طسی میبتنگی ، کاندیداهای خود در تهران را معرفی نمود . دو روز بعد یعنی روز چهارشنبه ، شش گروه اشتلائی ، صریح خود از نیروهای شیکه از شرکت در انتخابات ، همان اهدافی را دنبال می کردند که در مجموع خود بر اهداف اولیه آنها تطابق داشت ، خودداری نمود .
این سازمان روز دوشنبه اول مرداد ، در طسی میبتنگی ، کاندیداهای خود در تهران را معرفی نمود . دو روز بعد یعنی روز چهارشنبه ، شش گروه اشتلائی ، صریح خود از نیروهای شیکه از شرکت در انتخابات ، همان اهدافی را دنبال می کردند که در مجموع خود بر اهداف اولیه آنها تطابق داشت ، خودداری نمود .
روز شنبه ، گروه اشتلائی ، پس از قطع امید از

بند بازی مضحکتر!

لیکن این هنوز بهیچوجه شام فقیه نیست. بعداً باز هم تحت فشار توده های هوادار این سازمان و سایر نیروهای آگاه ، سازمان چریکهای فدایی خلق مجبور به موضعگیری دوباره در قبال نیروهای انقلابی مارکسیست- لنینیست میشود. (ب) لیکن این بار و در این اطلاعیه نیز بند بازیهای این سازمان بنحوصحکتر و در عین حال تا صاف و زورنی تکرار می شود همچنان سعی می شود از موضع گیری صریح برهیز گردد. در لابلای کلیات و جملات و تعاریف اعلامیه " پشتیبانی " دوم ، بالاخره (دوشنبه ، ۸ مرداد)

بند بازی مضحکتر!
لیکن این هنوز بهیچوجه شام فقیه نیست. بعداً باز هم تحت فشار توده های هوادار این سازمان و سایر نیروهای آگاه ، سازمان چریکهای فدایی خلق مجبور به موضعگیری دوباره در قبال نیروهای انقلابی مارکسیست- لنینیست میشود. (ب) لیکن این بار و در این اطلاعیه نیز بند بازیهای این سازمان بنحوصحکتر و در عین حال تا صاف و زورنی تکرار می شود همچنان سعی می شود از موضع گیری صریح برهیز گردد. در لابلای کلیات و جملات و تعاریف اعلامیه " پشتیبانی " دوم ، بالاخره (دوشنبه ، ۸ مرداد)

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

رئیس بیمارستان یا فرمانده گارد شاه

دستگیری متهمین!! به بیمارستان می آیند . توجه کنیم که متهمین همان پرستاران کتک خورده هستند نه آقای دکتر سالور قلندر! کارگزاران بیمارستان با دستگیری این افراد مخالفت میکنند و کار به کلانتری می کشد . بزنگ قانونی سه روز مرخصی استعفا برای خانم طبری و ۴ روز برای خانم راشی صادر می کنند . کارمندان صورت جلسه ای از آنچه که اتفاق افتاده است تهیه نموده و بعنوان شاهد آنها امضا میکنند . اما جالب توجه است که روز سه شنبه (۵۸/۵/۲) دادگاه اداری تشکیل و خانم طبری و خانم راشی و ۷ نفر دیگر از امضا کنندگان استعفا توسط دکتر سالور به محاکمه کشیده شده و حکم اخراج آنان صادر می گردد . لیست اخراج دشگان در "بهداگاه" از آقای سالور رئیس حکومت بیمارستان مفید شرح زیر است :

خانم طبری ، راشی و بازگرم کتک پرستار - اردلان جهان پیمان ، کتک پرستار . تلفن جی - امیری ، منشی - راستی پاداش کشانی که فداکارانه در انقلاب توده ای شرکت جست و بوزه رژیم شاه را بخاک مالیدند به این صورت داده میشود ؟ توده های زحمتکش ، مبارزه کردند تا در هر اداره ، محله ، کارخانه و ... یک حکومت بوجود بیاورند ؟ آتیم حکومتی که فقط جانب سرمایه داران ، حاکم ، قلداران و انحصارطلبان را می گیرد و متقابلا از جانب آنها حمایت می شود ؟ آیا کسی بجز توده های میلیونی مردم قادر است بار دیگر دست به جاربویسین به قدرت نشکند ، قلدران و زورگویان بزند ؟ هرگز ، زیرا که ما حاکم زر و زور و زورگویی که از سرنگ آگاهی کمر به خدمت آنها بسته اند نخواهند توانست از حقوق حقه توده ها دفاع کنند . این دست قدرتمند خلق است که باید این بار تکلیف این زورگویی و ستمکاری را روشن سازد .

روز چهارشنبه گذشته (۵۸/۵/۳) از طرف دکتر سالور رئیس بیمارستان کلوکان مفید (واقع در جاده قدیم شمیران) اعلامیه ای خطاب به کلیه واحدها مبنی بر تعطیل بودن سلف سرویس در ایام ماه رمضان صادر شده بود .

عده ای از پرستاران با خانم طبری سرپرستار اطاق شیر که نماینده پرستاران است تماس گرفته و درخواست کردند که سلف سرویس بکار خود ادامه دهد ، زیرا که شیفت کار طولانی است و بعضی از پرستاران بیمارستان هستند و قادر به روزه گرفتن نمی باشند . اما دکتر سالور به این درخواست اعتنا نکرده . بجز تعداد محدودی از پرسنل که بخاطر غالی شدن بهاها باقی ماندند ، همه پرسنل سلف به اعتصاب روزه و در سالن بیمارستان اجتماع کردند . دکتر سالور بعد از اینکه وارد بیمارستان شد ، بدون اعتنا به پرسنل به اطاق خود میرفت که پرسنل از او خواستند که به میان جمع آنها بنماید و حرفشان را بشنود . اما دکتر سالور از این کار خودداری نموده و گفت که باید نماینده پرسنل به اطاق او برود .

جلسه ای در اطاق معاون بیمارستان تشکیل شده و دکتر سالور به اتفاق چند نفر از کارگران رختوبخانه وارد میشوند . به محض اینکه خانم طبری شروع صحبت میکند ، دکتر سالور حرف او را قطع نموده و ساکت میماند . او کمونیت است از کارگران میخواهد که او را کتک بزنند . اما کارگران از این کار خودداری میکنند . سپس آقای دکتر خوشی "بناچار" شروع می کند به کتک زدن خانم طبری . در این میان خانم دیگری به نام راشی به میانجیگری آمده و او هم از دست حضرت آقای دکتر! کتک می خورد . سپس آقای دکتر سالور تلفن به کمیته اطلاع می دهد و افراد کمیته یعنی باسداران و حمایت کنندگان عریضه کتفی و قلمری برای

روشن نمیشود که موضع این سازمان در قبال نیروهای انقلابی م. ل و پشتیبانی از آنان در انتخابات چیست؟

در این اعلامیه گفته میشود: "... از آنجا که از نظر ما نیروهای فد امپریالیست و هوادار طبقه کارگر را نیروهای میاندیم که دارای سیاستی پیگیر و سازشناپذیر در مبارزه فد امپریالیستی و مبارزه طبقاتی هستند و از آنجا که معتقدیم استقلال عمل از احزاب به دستها و قلبهای جهانی هستیم ، هیچیک از جریان های سیاسی وابسته و سازشکار مورد تأیید ما نبوده و نخواهد بود .

بنابراین چه جراتی نظیر حزب توده و چه گروه های دنیا لاله رو چین و چه احزاب و گروههای وابسته و سازشکار دیگر (؟) به هیچوجه و در هیچ شرایطی مورد حمایت ما قرار نخواهند گرفت و ما پشتیبانی از کاندیداهای آنها را در انتخابات مجلس خبرگان تأیید نمی کنیم !

سازمان ج - ف - خ خوب روشی را برای شانه خالی کردن از بار فشارها و ضرورت های سیاسی روز انتخاب می نماید ، روشی که در عین حال به تمایلات خرده بورژوازی این سازمان پاسخ مناسب میدهد . این سازمان بسیاری از کاندیداهای هفت گروه انقلابی را بهیچدستی امکان از به زبان آوردن نام آنها خودداری نمیکند ، روش "طبی" را انتخاب میکند و با نفی پشتیبانی از جریانات "انحرافی" از دو سو به نیروهای "ضد امپریالیست ، انقلابی و هوادار طبقه کارگر" نزدیک میشود و در همانجا متوقف میگردد !

لیکن ما مایل بودیم بدانیم که سازمان چریکهای فدائیان خلق کاندیداهای چه گروهها و سازمانهایی در انتخابات "مجلس خبرگان" را "میرحبا" تأیید می نماید ! مسئله ای که بالاخره روشن نمیشود . لیکن با تعریضی که این سازمان از نیروهای "ضد امپریالیست و هوادار طبقه کارگر" بدست میدهد ، و با مزاجنه به مواضع این سازمان در قبال سایر نیروهای انقلابی م. ل در سطح جنبش بدون هیچگونه شمه ای میتوان درک نمود که این سازمان در واقع از هیچ نیروی مارکسیست لنینیستی در جامعه ما در جریان انتخابات "مجلس خبرگان" پشتیبانی نمی نماید .

آیا در میان تمامی نیروهای م. ل شرکت کننده در انتخابات مجلس خبرگان ، سازمان چریکهای فدائیان خلق نیرویی را که دارای سیاستی پیگیر و سازشناپذیر در مبارزه فد امپریالیستی و مبارزه طبقاتی "باشند (همانجا) (می شناسد) ؟ مواضع این سازمان در سطح جنبش ، چه در قبال گروه انقلابی (که بیشتر از همه مدعی روزه میشود که رفقای چریک خونگولنه پشتیبانی خود را از آنان اعلام نموده اند) و چه سایر نیروها ، عکس این را نشان میدهد . آیا برای هواداران این سازمان و سایر نیروهای انقلابی تردید و شبهه ای وجود داشته که این سازمان حزب توده و سایر احزاب و گروههای وابسته را ، ضد امپریالیست و هوادار طبقه کارگر نمی داند ؟ که این سازمان خود را ملزم به این توضیح دانسته است ؟

آیا اساساً قابل شدن این شرایط برای پشتیبانی انتخاباتی سازمانی از سازمانهای دیگر منطقی و اصولی است ؟ به نظر ما خیر ! نه حتی برای اشکاف ، بلکه برای پشتیبانی انتخاباتی ، سازمان چریکهای فدائیان خلق شرط دارا بودن "سیاستی پیگیر و سازشناپذیر (!)" در مبارزه فد امپریالیستی و مبارزه طبقاتی (!) را قابل شده است! بدون هیچگونه توضیحی واضح است که در مقابل امپریالیستها و مرتجعین داخلی ، میتوان و باید از عناصر ، گروهها و احزاب ضد امپریالیست پشتیبانی نمود و حتی با آنها وارد در اشکاف موقت نیز شد (مثلا توجه کنید ، به اشکاف بلشویکیها و نارودنیکها در رابطه با شرکت در مجلس مقننه) ، لیکن این سازمان را بیطرف و بیگویی و سازشناپذیر بودن" (از نظر چه سازمان و گروهی؟) و آنچه در "مبارزه طبقاتی" را اضافه نموده است ، و این آخری جز پیغمبر عسدم درک نیروهای پشتیبان بولوتاریا در مرحله انقلاب دموکراتیک نمیشد .

بیگیری و سازشناپذیری در "مبارزه طبقاتی" منظر م دست یافتن به تنوری انقلابی ، منظر م ایجاد بیوند محکم با توده های کارگر و پالایش گروهها و سازمانها از توده های روشنفکری و غیر بولوتاری است و این امری است که تشکیلاتی انقلابی م. ل برای دست یابی به آن میبایست که در درون خود و چه در سطح جنبش کمونیستی و با مبارزه ای اما سیاسی - ایدئولوژیک ، همراه با متنی از کار در میان طبقه ، به آن دست

جدول تعیین حداقل دستمزد وزارت کار یکی از اسناد مهم جنبات سرمایه داران است . حداقل دستمزد کارگران طبق این جدول که توسط خود وزارت کار تعیین شده و بزور قدرت است که یک بخور و نهم برای کارگران فراهم آورد در مقایسه با حداقل دستمزد دستمزدی که اخیراً وزارت کار با هسای و هسوی فراوان تصویب کرد بیشتر از پیش ماهیت ضد کارگری دولت کتونی را نشان می دهد . این کتاب همچنین خواستهای حق طلبانه کارگران را در این مرحله بیان می کند . این کتاب رهنمودی است برای شناخت بیشتر ماهیت سرمایه داران زالو صفت و بالا بردن سطح خواستهای صنفی و سیاسی کارگران در جهت غنای بخشیدن به مبارزات پیگیر آنها علیه سرمایه داران چپا و لگر .

دست به اعتصاب می زنند . از نتیجه اعتصاب خبری در دست نیست .

* کارخانه جیب متاز تا کنون سه نفر از کارگران را به بهانه کمونیست بودن و اختلال گریه کردن اخراج کرده است . یکی از این کارگران در تاریخ ۵۸/۵/۱۸ اخراج شد .

ادامه صفحه آخر از انتشارات ...

استثمار وارد برخورد اندکی کاسته و امتیازاتی از سرمایه داران زالو صفت بگیرند . باین ترتیب قوانین کار که در دوره های مختلف تصویب شده ، نمره مبارزات حق طلبانه کارگران سراسر جهان است و نه پیشگویی از طرف سرمایه داران زانگور .

در این کتاب توضیح داده شده که "قانون کار انقلابی" منمکن کشند و واقعی نیازها و منافع کارگران در این مرحله از انقلاب می باشد . از آنجایی که سنگ محک "انقلابی" بودن هر رژیم و حکومتی ، نحوه برخورد وی با درخواستها و نیازهای زحمتکش ترین و محرومترین طبقات تولید بولوتاریاست . بسر خورد مختصری با علکرد های دولت موقت ، بعد از قیام تا کنون نشان میدهد که این رژیم حامی چه اقتدار و طبقاتی است .

اخبار کوتاه کارگری

در روز اول ماه رمضان کارگران صنایع فولاد اهواز هنگام ظهر به غذا خوری میروند و چون می بینند که از غذا خبری نیست ، همگی از رفتن به سرکار خود داری نموده و

از حوادث گنبد بر صفحه تلویزیون بپاید ؟ و آن شکایات و نامه نگاریهای فیلم برداران این صحنه ها بجایی نرسید ؟ این دروختنهای حرفه ای از اخلاق هم زیاد دم می زند ، اما اگر ذره ای اخلاق می فهمیدند - همان اخلاقی که در دین اسلام تعریف شده - میدانستند که چنین دروختنهایی در منطبق دین هم گناه کبیره است ، اما آنها دین را برای تحمق مردم و دفاع از منافع استعمار - گرانه طبقاتشان لازم دارند نه آنکه پای خودشان هم بنوعی در بند آن اخلاق گیرند ، اینست که بی مهابا دروغ می گویند و توجیه شرعیشان را هم در دست می کنند . لابد در روز دیگر خواهند گفت کتابخانه ها را هم چپا آتش می زنند و پوسترها و اعلامیه ها را هم چپا در دیوارها می کشند و سعادت و ... را هم چپ به زندان انداخته است و ...

آری ، مقام "دولتی" (با امنیتی) بجای افشای "چپ نهما" ، خود را افشا می کند و نشان میدهد که این "عین الدوله" ها حاضرند برای به انحراف کشیدن انقلاب و برای خدمت به انقلابیون ستار - خانهای "امروز یعنی نیروهای انقلابی و کمونیستار" چه را ابتدا از لحاظ سیاسی و سپس از لحاظ جسمی نیز ترویر و نابود کنند . ضد انقلاب ، مقام امنیتی و همدستانش این آرزو را بگور خواهند برد . خلق های ما هشیارند ، آنها پای جان از نمره مبارزات خود رزمجوانانه دفاع می کنند .

ادامه صفحه اول

آزادی "نمیستند تا ببینند حاصل تلاش آنان چگونه نصب لاشخوران شده است .

"مقام امنیتی" وعده می دهد که گزارش مفصل ترکن صحرا منتشر خواهد شد . لابد مانند تحقیقات مربوط به گروه فرقان و شناساییهایی که در دو روز گذشته افشا می شود ، که نشد! آخر "اختلاف خانوادگی" را که نباید افشا کرد ، باز قدیم هم گفته اند "چاقو دسته خود را نمی برد" پس چطور می شد انتظار داشت که اینان پس از آنهمه تهمت و قبحانه به چپ در رابطه با ترور آیت الله مطهری ... بیایند و بگویند که فرقان کشته شد!

وقایع گنبد و ترکن صحرا و هزار آتش دیگر را که ضد انقلاب یعنی سا واکبها و نفوذ آنها و عمل آشکار آمریکا و اسرائیل - مثل "قیاده موقت" و دشمنان قسم خورده مارکسیستها هر روز بیما می کنند ، مقام امنیتی و همدستانش بحساب چپ ها می گذارند ، اگر راست می گویند و بوشی از آزادی برده آید و چرا حاضر نشدید فیلم تهیه شده

هموطنان مبارز!

کمکهای مالی خود را به حساب جاری شماره ۵۸۷ بانک صادرات ایران ، تهران شعبه ۱۳۲۹ خیابان کارگر (امیر آباد جنوبی سابق) واریز نمایند .

بفصله در صفحه ۲

اعتصاب پیروزمند در کارخانه ارج

اخبار کارگری

ما کارگران کوره پزخانه محمد براتچی و ضرغام

ما کارگران کوره پزخانه محمد براتچی و ضرغام (روبروی سیمان آبیگ) که حدود سی خانوار و جمعیاً یکصد و پنجاه نفریم از چهار ماه قبل در این کوره شروع به کار نموده ایم ، چنانکه همه میدانید زندگی ما کارگران با همین پول روزانه میگذرد . این سمدت دو ماه است که دستمزد ما نبرداخته است . دیگر ما کسی را نمی شناسیم که از او پول قرض کنیم . حتی همین حالا چند تا از بچه های ما مریض هستند که پول مداوی آنها را هم بما نمی دهد وقتی بکارفرمای می گوئیم پول ما را بده میگوید ندارم کار کنید هروقت داشتیم می - دهیم ، معلوم نیست چطور پول ندارد در صورتیکه اجرت - های ما که ما مزاجه هم روز فروش میروید . در روز ۵۸/۵۸ دستمزدی با ما مزاجه کردیم که دستمزد ما را پرداخت کند (طلب ما جمعیاً حدود هشتاد هزار تومان میشود) ولی او بازمه از پرداخت دستمزد طفره رفت و از همان روز وسیله کار را از ما گرفته و بیخ را قطع کرده اند و با تهدید وسیله عواملشو حمله شبانه بخانه ما و شکستن شیشه ها و دمدم زدن به اموال ما ، ما را می - خواهند بدون دریافت دستمزد مجبور به ترک اینجا کنند و خود کارفرما از همان روز ۵/۶ به کوره نیامده ، خلاصه کار ما را بجای رسانده که مجبوریم از ترس زن و بچه - هایمان را بده مان بفروسیم و خود ما هم اینجما سرگردان شده ایم . ما تا کنون به کمیته هشتگردد باسگاه نظارتیاد برای رسیدگی به حقوقمان مراجعه نموده ایم ولی در باسگاه نظارتیاد عوض اینکه بخواست ما رسیدگی کنند به رویمان سلحه کشیده اند و گفته اند شما خرابکار هستید (آنها کسیکه پول دو ماه کار کرد خود و زن و بچه ۶ ساله اش را بخواهد خرابکار است ؟) در کمیته هشتگردد بما گفته اند تعمیر دارید ولی حتی بکار هم بخود زحمت نداده اند که بخواست ما رسیدگی کنند (آیا حمایت از مستغلبین چنین است ؟)

در صورتیکه همین کمیته هشتگردد دو ماه پیش وقتی کارفرما پول ما را ندادند و به آنجا مراجعه کردیم کمیته قراردادی با ما و کارفرما به امضا رساند که مزد دوهفته ما همیشه پیش کارفرما بماند و اگر از دوهفته بیشتر شد خود کمیته در پرداخت پول اقدام کند و خودش پول را بما بدهد . (البته باید دید این چه قرارداد ظالمانه ای است) در صورتیکه الان پول هفت هفته ما پیش کارفرما مانده است و کمیته به این موضوع توجهی نمیکند (حرفی که خودشان زده اند هم با دشان رفته است)

ما خواهان رسیدگی هرچه فوری تر از طرف تمام مقامات مسئول و بخصوص دفتر امام خمینی و آیت الله طالقانی هستیم .
کارگران کوره پزخانه (محمد براتچی و ضرغام)
روبروی سیمان آبیگ

رو نوشت :
۱- دفتر آیت الله طالقانی
۲- روزنامه جمهوری اسلامی
۳- روزنامه ما بماند
۴- روزنامه آینهنگان
۵- روزنامه کیهان
۶- ندای آزادی
۷- پیغام امروز
۸- اطلاعات
۹- پیکار

مدیران در مورد اضافه حقوق شده قبول ندارند ، در حالیکه اینطور نیست و ما مرتب با شورای کارکنان در حال جلسه هستیم و بزودی اضافه حقوق تعیین می شود که در حین اعتصاب یکی از نمایندگان ما نیز کارگران میگوید که تا ظهر برایتان جواب میگیرم و کارگران به سرکار بازمی - گردند و آخر وقت اطلاعیه ای در مورد تعیین شدن اضافه حقوق به تابلوها زدند که اضافه حقوق تعیین شده بین ۳۱۲ ریال تا ۴۰۰ ریال می باشد .
مسئله مهمی که در اینجا قابل توجه است این است که تمامی کارگران قسمت های مختلف کارخانه از همبستگی و اتحاد برخوردار نبودند و قسمت های اعتصاب به عدم هماهنگی و همبستگی بین قسمت های مختلف بود که به محض اعتصاب در این قسمت ها با بستن سایر قسمتها هم از این رفقا پشتیبانی و حمایت می کردند و بطور یکپارچه به آنها می پیوستند چون مسئله ای که کارگران قسمتهای موتور پخاطر آن دست به اعتصاب و مبارزه زده بودند مسئله شخصی و قسمتی آنها نبود ، بلکه مسئله ای بود که مربوط به تمام دوستان کارگر میشد . برای از بین رفتن این تفرقه و پراکندگی ، رفقای پیشرو باید دست به ایجاد کمیته اعتصاب بزنند و در هر قسمت کارگران معتقد و مبارز باید در ارتباط منظم با هم باشند و در مقابل زور گویی های کارفرما و رسیدن به خواسته های برحق خود روز اعتصاب را بطور دقیق و حساب شده تعیین کنند و به اطلاع همه دوستان کارگر برسانند تا بطور یکپارچه و متحد دست به اعتصاب بزنند .

یک خبر کوتاه دیگر از ارج : بدنبال فرا رسیدن ماه رمضان و ندادن نهار در کارخانه و فشاری که به کارگران روزه دار می آمد ، عده ای از نمایندگان پیشرو ساعت کار را از ۸ ساعت به ۶ ساعت در روز کاهش دادند و در این یک ماه ساعت کار از ۷ صبح تا ۱ بعد از ظهر شیفت اول ، از ۱ بعد از ظهر تا ۷ بعد از ظهر شیفت دوم و از ۷ بعد از ظهر تا ۷ صبح شیفت سوم که در این شیفت هم افطاری و هم سحری به کارگران می دهند . ۵ ساعت هم اضافه کار ، به کارگران تعلق میگیرد .

اعتصاب در تعمیرگاههای شماره ۲ و ۱ ایران ناسیونال رشت

اعتصاب کارگران این دو تعمیرگاه از تاریخ ۵۸/۴/۳۱ شروع شده است . اعتصاب متعاقب آمدن بخشنامه اداره کار ، که در آن صحبت از ۶۰ الی ۸۰ درصد اضافه حقوق شده بود ، امتناع کارفرما از گردن نهادن باین بخشنامه شروع شد . اعتصاب از تعمیرگاه شماره یک و فروشگاه آغاز شد و سپس به تعمیرگاه شماره ۲ رسید کارگران برای اینکه بتوانند کارفرما را از طریق مشتری ها هم تحت فشار قرار دهند ، تمام موتورهای اتومبیل های تعمیراتی را بپاده کردند . کارگران در مقابل حرف نماندند و کارفرما که قول میداد ۳۰ تا ۴۰ درصد اضافه حقوق را برای آنها تضمین کند بشرطی که دست از اعتصاب بردارند و بسرکارها برگردند ، مقاومت کرده و می گفتند که ما خواهان اضافه حقوقی هستیم که در بخشنامه اداره کار ذکر شده با اضافه اینکه باید تضمین شود که در آینده نیز حقوق ما با بالاتر رفتن قیمت ها بالا برود . در روز دوم اعتصاب نماینده کارگران که خود یک کارمند است کوشید با فریب برخی از کارگران اعتصاب را بشکند ولی در اثر

چرا کارگران کوره پزخانه های تبریز مجبور به کوچ از محل کار خود شدند
دو کارگر ترک و کرد بر سر مسئله ای بسیار جزئی (سه خاطر یک طلب روغن) اخلافی بروز میکنند . این مسئله که به سادگی قابل حل بود است بر اثر شکایت کارگر ترک به کمیته امام " سردرد " بهانه ای میشود برای بوش ما موران کمیته به کارگران زحمتکش کرد . تمسداد پنجاه ما مور مسلح کمیته که خدای جفا قادر نیز به هماهتان بودند در بی این شکایت به خانه کارگران کرد ریخته و به خیال پیدا کردن اسلحه به جستجو بردارند . آنها حتی با نهایت بیشرمی زنان را مورد اهانت قرار داده و تفتیش بدنی می کنند و در جواب کارگران که علت این امر را جویا می شدند فقط فحش و تازوا می گفتند . ما موران کمیته در تمام مدت جستجو به محاصره زن و فرزندان کارگران و سنگرمندی در مقابل خانه هایشان مشغول بودند . پس از مدتی با اینکه از

روز ۱۰ مرداد قسمت های موتور کولر ، بخاری ، آبگرمکن و لباسشویی و اجاق گاز بیش از دو ساعت بخاطر افزایش دستمزد و هزینه زندگی دست از کار کشیدند .
کارگران قسمت کولر - بخاری قبل از تعطیلات تابستانی در تبریز هم بخاطر سود ویژه و اضافه حقوق دست به اعتصاب کوتاهی زده بودند که در آن زمان از طرف کارفرمای زالو صفت توجه چندانی به خواسته های برحق کارگران نشده بود و کارفرما و عواملش به وعده و وعید متوسل شده بودند . کارفرما و مدیران مزدور این بار هم قصد داشتند حقوق کارگران را باهمال کنند و با اندک اضافه حقوق ، کارگران را هر چه بیشتر استعمار کرده و جیب گشا خود را برتر نمایند و برای کمتر اضافه کردن دستمزد ها به حیل و نیرنگ متوسل میشدند که کارخانه ضرر کرده است و ما بیشتر از ۲۷ تومان نمیتوانیم دستمزد ها را افزایش دهیم .
این مطلب را روز قبل از اعتصاب مارکریان که یکی از مدیران و همچنین یکی از سهام داران شرکت است در دورا عنوان کرده بود . و گفته بود که حداقل ۲۷ تومان و حتی کتر ۳۶ تومان به حقوق کارگران اضافه می کنیم که این مبلغ به نسبت عکس دستمزد ها پرداخت شود یعنی - کارگرانی که کمتر حقوق می گیرند ۳۶ تومان و آنهایی که بیشتر حقوق می گیرند ۲۷ تومان به دستمزد های شان اضافه خواهد شد که این مبلغ مورد مخالفت بسیاری از نمایندگان قرار میگیرد ، یکی از نمایندگان ما نیز و کارگر دوست بنام آقا ای دهقان شدیدا به این مزدور حمله می کند و از اعلان ضد کارگری و حمله گریبای او پرده بر میدارد که مارکریان مجبور میشود جلسه را ترک کند . این شخصی که هنوز کتک مفصل کارگران را در اسفند ماه بخاطر ندادن سود ویژه از یاد نبرده است ، باز هم میخواست در حق کارگران احصاف نماید .
بدنبال این جریان کارگران قسمت های یاد شده پس از ۵ ماه صبر و انتظار در روز چهارشنبه ۱۰ مرداد دست به اعتصاب زدند . بدنبال این اعتصاب از طرف صدی مدیر اداری جدید اطلاعاتی منتشر شد که " شایع شده ، مدیریت توافقی قبلی را که بین شور و

اعلامیه ای با عنوان فوق از طرف دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر - تبریز - انتشار یافته که بخشهایی از آن در زیر می آید :
" در ناحیه " کما آباد " واقع در جاده تبریز - سردرود تعدادی کوره آجر پزی قرار دارند . در این کوره ها تعداد ۳۰۰۰ کارگر کرد در کنار بقیه کارگران ترک به کار مشغول بودند . در مواقع اعتصاب کارگران ترک و کرد مشترکاً دست از کار می کشیدند و یکپارچه اعتراض میکردند . برای نمونه میتوان از اعتصاب کوره - پزخانه " حافظ که چند ماه قبل صورت گرفت و ۴ روز طول کشید ، نام برد . در این اعتصاب کارگران با اتحاد و همبستگی خود موفق شدند کارفرما را مجبور به اضافه کردن دستمزد نمایند .
در روز سه شنبه ۵۸/۴/۲۶ در یکی از کوره ها سن

گروامی باد...

ادامه از صفحه اول

اواخر قرن ۱۹ مارش انقلابات دموکراتیک و ضد امپریالیستی برای راهی از قید سلطه و نفوذ امپریالیسم و ارتجاع داخلی وابسته بدان و نیل به استقلال و آزادی در فضای سراسر آسیا شناخته شد. لنین اوضاع آن روزی آسیا را چنین توصیف میکند: "در آسیا همه جا جنبش دموکراتیک نیرومندی نشو و نما می کند و بر وسعت دامنه آن افزوده می شود و مستحکم می گردد... تمام اروپای فرانسویا، تمام بورژوازی با تمام نیروهای ارتجاعی و قرون وسطایی متحد است. در عوض تمام آسیا بی جوان یعنی صدها میلیون زحمتکش در آسیا، در وجود پرولتاریای کلیه کشورهای متقدم، متحد طبیعی دارند." (۲)

دست از بلن چنین اوضاع و احوالی بود که انقلاب مشروطیت نمودن ضرورت و نقطه اوج فتادهای درونی جامعه و خشم و نفرت توده های میلیونی بر علیه نظام پوسیده فئودالی و سلطه و نفوذ امپریالیستها چنان زده و رند یافت و شکوفان گردید.

ها را به بهای خونگزارانی، های خود در فرنگ و در حرم - سراهای خود به امپریالیستهای غارتگر انگلیس و روس تقدیم میکردند.

واما سرمایه داران

بورژوازی ایران را در این دوره بازرگانان تشکیل می دادند. آنها به دودسته عمده تقسیم می شدند.

اول تجار محلی و بازاری بورژوازی متوسط و کوچک که در نتیجه انحصار اعتبارات مالی توسط بانکهای خارجی مدواماً سرکوب گشته و به سر حد ورشکستگی کامل می رسیدند. وضع ایشان به علت جلوگیری از دادوستد در شمال توسط روسیه و در جنوب توسط انگلیس روز بروز سخت تر می گردید. و به علت اینکه دهقانان دچار فقر و فلاکت شده و روز بروز از قدرت خریدشان کاسته میشد، بسر و خاقت وضع بورژوازی متوسط هرچه بیشتر افزوده می گردید. از اینرو تجار محلی در مبارزه مداوم و

نقش روحانیت در انقلاب چه بود؟

آیت الله طباطبائی: "مانه جنگی داریم به نژادی، پادشاه ماسلمان است و با پادشاه مسلمان جنگ متصور نیست!"

در اینجا می بایستی اشاره ای نیز به روحانیون بکنیم چرا که آنان در جریان انقلاب مشروطیت و همچنین در زندگی کشور نقش بزرگی بازی می کردند و بخصوص اینکه "قدرت قضایی و تأمین اجتماعی و... همدرد دست روحانیون بود" (۴)

روحانیون بطور بارز دودسته بودند. اول قشر فوقانی روحانیت که خود دارای زمینهای وسیع اربابانه بودند و دهقانان را استثمار می کردند و در عواید ناشی از زمینهای وقفی نیز سهم بودند. خود این قشر به دو لایه دیگر تقسیم می گردید. یک لایه به دربار نزدیک بوده و بهیمن جهت مابین فوج العاده ارتجاعی داشته و کاملاً طرفدار دولت شاه بودند. از این زمره می توان شیخ فضل الله نوری، دشمن سرسخت و خوشبخت مشروطیت را نام برد. او در دوران اول مجلس با علم کردن "مشروع" به مخالفت جدی با مشروطیت پرداخت. وی مشروطیت را ضد دین و شریعت دانسته و بخرج دربار در تبریز ۱۲۸۶ با دارودسته ارتجاعی خود در شاه عبدالعظیم متحمن شد.

لایه دیگر از قشر فوقانی روحانیت، کسانی را تشکیل می دادند که خواستهایشان در حد خواستهای بسوزوروازی بزرگ تجاری قرار داشته و مخالفتشان با دولت فقط به خاطر کسب قدرت و امتیازات بیشتر بود و الا خود حامی دربار و فئودالیسم فشار می آمدند. از این لایه می توان طباطبائی و بهبهانی را نام برد.

در سال ۱۲۷۰ هجری یک جنبش جنبش تاجیکو در اوج خود بوده و توده های مردم بکدل و بگوزن بر علیه فرارادان ننگین دولت با شرکت انگلیسی "تالیوت" مخالفت کرده و برای اولین بار در مقابل قهر شاه به نظاهرات برداخته بودند و در این بین حتی روحانیونی از قبیل میرزای شیرازی نیز فتوای منع استعمال توتون را صادر کرده بودند. بهبهانی در حضور مردم قلیان کشید، و گفت من مقلد نیستم و مجتهد هستم" (۷)

و همچنین در دورانی که توده های مردم فرمان مظفردالدین شاه را دایر بر تاسیس عدالتخانه در تبریز و تهران از دیوار کنده و بجای آن شبنامه های انقلابی و تهییج کننده بی چسباندند و شایعه جهاد نثر علیه مظفردالدین شاه شنیدند در بین توده های قوت می گرفت طباطبائی بالا می نثار رفت و گفت: "ما نه بکنی داریم و نه نژادی، پادشاه ما مسلمان است و بس پادشاه مسلمان جهاد متصور نیست." (۸) و سپس جاپلوساته با خطاب "اعلیحضرت" به مظفردالدین شاه "حضرت والا" به عین الدلوله مستند و معلوم الحال، از آنها طلب مشروطیت نمود!

این دسته از روحانیون عامل مهمی در به بنسند کشیدن جنبش توده ها در چهارچوب خواسته های سطحی و اصلاح طلبانه بوده و پس از تاسیس مجلس بصورت بزرگ ترین مانع در برابر گسترش انقلاب و ارتقاء آن تاسیس نابودی فئودالیسم، سلطنت و سلطه امپریالیستهای انگلیس و روس در آمدند.

دسته دوم لایه های باثینی روحانیت را شامل می کرد که از زمین و املاک وقفی و اربابانه عاید نداشته و از لحاظ منافع طبقاتی کاملاً به خرده بورژوازی وابسته بودند. روحانیون این دسته از سلفین پرشور مشروطیت و عامل مهم آگاهی دهنی توده ها بودند و نقش بسیار مهمی در تهییج توده ها بازی می کردند. شعله اسلام تیر - بزی از جمله روحانیون میاز و انقلابیون بزرگی است که از میان این دسته برخاسته و تا آخر به آرمانهای انقلاب و توده ها وفادار ماندند و سرانجام نیز بدست کسول روسیه در تبریز به شهادت رسید (۵)

ادامه دارد...

آستانه انقلاب: ظلم و جور، فقر و فلاکت

وجه غالب تولید را در این دوره فئودالیسم تشکیل میداد که در کنار آن روابط اربابی و پدربشاهی هنوز جا نداشتی می کرد. ۷۵ درصد جمعیت ایران تخته قاپسو اکثریت آنان دهقانان بودند که بگانه طبقه تولیدکننده اساسی کشور نیز بشمار می آمد. مالکین فئودال (خانها، آقاها و ملک داران) که قوای دولتی پشتیبان آنها بود، دهقانان را بهر طریق، در حال وابستگی به زمین نگه میداشتند و نه تنها بر زمین و احوال آنان بلکه بر چاشنان نیز تسلط داشتند.

با وارد شدن کشاورزی به حلقه روابط سرمایه داری جهانی و تولید محصولات سودآور مورد نیاز بازار جهانی از قبیل پنبه و توتون بجای محصولات فلاحتی سابق، مواد غذایی مورد نیاز توده ها کمابند شده و قحطی شیوع بیشتری می یافت. از طرفی مالکین برای کسب سود بیشتر، وسعت دست به غصب زمین دهقانان زده و آنها را زمینهای خود بیرون میکردند و زمینهای حاصلخیز را دهقانان گرفته و تنها زمینهای نامرغوب را به آنان واگذار میکردند که نتوانستند آنها را در اختیار بگیرند و نتوانستند محصولات مورد نیاز خود از قبیل گندم را بکارند. بیگاری شدیداً رواج داشت. انواع گوناگون مالیاتها که از طرف دولت به زور گرفته می شد، دهقانان را هرچه بیشتر بفاک سیاه می نشاند. حامل امر فقر و بدبختی فزون از حد دهقانان فرسار آنها بسوی شهرهای عالی از کار و صنعت آن روزی بود، طوری که در طول پانزده سال جمعیت تهران ۵ برابر شد. (۵)

اما در شهرها فرمایروایی سرمایه خارجی وجود رژیم فئودالی مانع عظیمی در برابر رشد صنایع بود که از طرفی خود کارخانه های ایجاد شده توسط بسوزوروازی متوسط صنعتی را بسرعت به ورشکستگی و نابودی میکشاند. دهقانان شهری شده بهمراه صدها هزار پنبه ور و صنعتگران ورشکسته و با در آستانه ورشکستگی و گروه های کارگران بیکار شده، نیمه پرولتاریای ایران را تشکیل می دادند. که در شرایط غیر قابل تحملی ادامه حیات می دادند. فقر و گرسنگی بار تابست و همتی آنها نبود.



اولین حرکت سرتاسری خلقهای ایران در هفتاد و سه سال پیش منجر به تشکیل حکومت پارلمانی و تدوین قانون اساسی بسوزوروازی گشت. این حرکتی بود و روبجولوکه توسط قدرتمندان سازشکار و امپریالیسم دستا وردهای آن، نابود شد. بیشک خلقهای ما آجازه نخواهند داد که انقلاب دوم ما دچار همان سرنوشت گردد.

بایدار برای ادامه حیات خود بوده و خواسته های سیاسی شان در ردیف صنعتگران و پیشه وران قرار داشت. **دوم بازرگانان بزرگ:** آنها از بکطرف مشغول معاملات بازرگانی صنوعات اروپایی و روسی بوده و شروت و درشتان بسته به حفظ و ابقای مناسبات و روابط امپریالیستی در ایران بود. و از طرف دیگر با خرید زمین های خالصه دربار و املاک اربابی فئودالها، خود تبدیل به مالک شده، و در حفظ نظام فئودالی نیز شریک و سهم می گشتند بهیمن جهت آنها نمی توانستند مخالف سلطه امپریالیسم و همچنین سلطنت و فئودالیسم باشند. حدی اعتراض ایشان تنها وقتی بلند می شد که دولت مرکزی امتیاز را از دست ایشان گرفته و در قبال پمبلی به امپریالیستها تفویض می کرد و با طوایف رازن مال - التجاره شان را به غارت می بردند. آنها خواهش از آزادی تجارت و تضمین فروش محصولاتشان در داخل کشور بودند. بهیمن جهت نیز بورژوازی بزرگ تاسیس مجلس و برقراری مشروطه سلطنتی را برای پایان دادن به تمام بدبختی های موجود و در حقیقت بدبختی خودشان

اما در شهرها فرمایروایی سرمایه خارجی وجود رژیم فئودالی مانع عظیمی در برابر رشد صنایع بود که از طرفی خود کارخانه های ایجاد شده توسط بسوزوروازی متوسط صنعتی را بسرعت به ورشکستگی و نابودی میکشاند. دهقانان شهری شده بهمراه صدها هزار پنبه ور و صنعتگران ورشکسته و با در آستانه ورشکستگی و گروه های کارگران بیکار شده، نیمه پرولتاریای ایران را تشکیل می دادند. که در شرایط غیر قابل تحملی ادامه حیات می دادند. فقر و گرسنگی بار تابست و همتی آنها نبود.

۱۰ جمعیت ایران در اثر گرسنگی به هلاکت رسیدند

در طول سالهای ۲۰ - ۱۲۳۹ - ۵۰ - ۲۷ - ۵۶ - ۱۲۵۵ بطور متوالی قحطی هایی روی داد که بیگان نیز تلفات و صدماتش متوجه دهقانان و سی چیزان شهری بسود. شدت آن بدی بود که تنها در قحطی ۵۰ - ۱۲۳۷ حدود ده در صد تمام سکنه ایران تلف شدند. (۶)

خیل عظیمی بی چیزان برای امرار معاش ناچار بودند گروه گروه جلا وطن کرده و به خارج مهاجرت کنند. در اواخر قرن نوزدهم و در آغاز قرن بیستم همه ساله تا دویمت هزار تن عازم روسیه می شدند. (۶)

این بود وضع اکثریت عظیم توده های ایران.

حکومت اشراف و فئودالها

درباریان، اشراف و فئودالها قسمت اساسی طبقه حاکمه ایران را تشکیل داده و حدود سه هزار نفر (۴) را شامل میشدند. این اقلیت تا چیز شامی نعمات و امکانات زندگی را در اختیار گرفته و به عیاشی پرداخته و مصالح مملکت، منابع ثروت و دسترخی توده

- ۵ - چکیده انقلاب، حیدرغان موماولی - رحیم رضازاده ملک
- ۶ - تاریخ مشروطیت - ایوانف
- ۷ - رزم دانشجو - بررسی مبارزات مردم ایران در سه اخیر
- ۸ - کسروی - تاریخ مشروطیت

- ۱ - لنین - امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری
- ۲ - لنین - بیداری آسیا
- ۳ - لنین - اروپای عقب مانده - آسیای پیشرو
- ۴ - اسناد جنبش کمونیستی، مراکز، ۶ - ۵۹

در افشای سوسیال امپریالیسم - ۱

مدخلی بر سوسیال امپریالیسم و تحلیلی بر عمل سازش سازمان چریکهای فدائی خلق با آن :

غلبه روبریونیم بر دستگاه حزبی و دولتی شوروی در اواخر دهه ۱۹۵۰ و سپس تبدیل شوروی سوسیالیستی به یک کشور سوسیال امپریالیستی منجر به اشتباهاتی در درون نهضت بین المللی کمونیستی گردید. زیرا مرزبندی با عدم مرزبندی روبریونیم معاصر و سوسیال امپریالیسم جز طرفداری از مارکسیسم - لنینیسم و وفاداری نسبت به آرمان طبقاتی پرولتاریا و با طرفداری از کمونیسم کاذب و جانبداری از بورژوازی نمی توانست معنای دیگری داشته باشد.

روبریونیم پیوسته به مثابه یک جریان بورژوازی در درون جنبش کمونیستی ظهور پیدا کرده تا با تکیه بر سازش طبقاتی از وقوع انقلاب جلوگیری نموده، پیوسته بر دگر سرمایه را مداوم بخشیده و به طبقه کارگر خیانت ورزد. بر خلاف روبریونیم کهن، روبریونیم خروچسکی در طی یک روند به ساقط نمودن قدرت سیاسی پرولتاریا پرداخته و با اتکا به یک مٹی بورژوازی در راه قدرت دولتی قرار میگردد. بدینال آن، کشور اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی لنین و استالین، کشوری که با نگاه درخشان سوسیالیسم و انقلاب جهانی بود، تنگنبر ما هیت یافته و به یک کشور امپریالیستی تبدیل میگردد.

لنین می گوید: "اگر مبارزه علیه امپریالیسم بطور لاینفکی با مبارزه علیه اپورتونیم توأم نباشد جز عمارت پردازی بیوج و دروغ چیزی نخواهد بود."

لنین "امپریالیسم مشابه آخرین مرحله سرمایه داری" بر این اساس مبارزه علیه روبریونیم جهانی به مثابه جزئی تفکیک ناپذیر از مبارزه انقلابی طبقه کارگر برای سرنگونی امپریالیسم و ارتجاع و تحقق انقلاب سوسیالیستی بشمار می آید. بدون شناخت از ماهیت طبقاتی روبریونیم و عمق مٹی و سیاست بورژوازی و فدا نقلی-اش و در نتیجه افشاء و طرد آن، توسعه جنبش - پیروزی انقلاب امکان پذیر نخواهد بود و به علاوه از آنجا که شوروی سوسیال امپریالیستی دیگر نه بعنوان پشتیبان بلکه به مثابه یکی از دشمنان انقلاب بوده عمل نموده، مبارزه علیه آن همچون بخشی از مبارزه ضد امپریالیستی تلقی بشمار می آید. جنبش ها و نیروهای که در این مبارزه سخت پوششهای گوناگون از خود تزلزل نشان داده و در انحراف خود تمسک می یابند، جز در غلطیدن به متحلاب روبریونیم و در خدمت یک دولت استعماری قرار گرفتن راه دیگری نخواهند داشت. خطر عمده ای که جنبش کمونیستی ایران را تهدید میکند خطر روبریونیم است. روبریونیم با ماهیتی بگانه در اشکال گوناگون بطرز آشکار و نا آشکار، از درون و بیرون میکوشد تا به

نیفت مارکسیسم - لنینیستی میهن ما ضربه وارد آورد و آنرا از محتوای طبقاتی - انقلابی اش خالی نموده و از راه آشتی طبقاتی و خوشه، بر انقلاب مهار زند. درست است که اپورتونیم و روبریونیم جنبش بنام بندگی "دن سبائوینگ" هواگوتنگ " مبارزه قاطع خاص خود را می طلبد و اینچنین باید کرد، لیکن در این مقطع زمانی مبارزه علیه روبریونیم شوروی و طبعا دارو - دسته ارتجاعی کمیته مرکزی حزب توده از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا اینان با بعد عملگردد، با امکانات وسیع خود و با بکار گرفتن تمام توان خویش می کوشند تا سرعت در درون جنبش خلق و نهضت انقلابی و مارکسیستی ایران نفوذ کرده و آنها را تابع منافع امپریالیستی خود بنمایند.

مناصفانه به سبب فضیلتی نیروهای کمونیستی ایران آنطور که باید و شاید مبارزه کافی و همه جانبه ای علیه روبریونیم، سوسیال امپریالیسم و عمال بومی اش صورت نگرفته است و این امر باعث گردیده که جنبش فدائی در جنبش میهن ما وارد آید. تا پیش از بدرفتاری اذهان بخشی از توده ها (هرچند که امروز محدود است) از تبلیغات زهرآگین روبریونیم، انشعاب عده ای از موضع روبریونیم از سازمان چریکهای فدائی خلق و پیوستن آنها به کمیته مرکزی مزدور، ایجاد

مسئول ایالتی حزب توده در اصفهان همکار ساواک از آب درآمد!

مردم شرافتمند! حزب توده ایران بر رأی



کاندید ای به اصطلاح وفادار به آرمان طبقه کارگر (به تصویر حزب توده) کساواکی از آب درآمد

کارگری مبارز و وفادار به طبقه آرزمان طبقه اش

رفیق غلامرضا روحانی شهردی، از مسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در اصفهان، از جانب حزب، نامزد انتخاباتی در مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی اصفهان است.

رفیق روحانی دهقان زاده ای است که بصورت طبقه کارگر پیوسته، کارگری است که تمام زندگی آگاهانه خود را وقف آزادی زحمتکشان کرده است. رفیق غلامرضا روحانی

سرا از حزب توده در می آورند (و با عناصر حزب توده سرا از ساواک !!) و اولین باری هم نیست که این خائنین به خلق قضا را ماستالی می کنند. حزب توده سعی کرد ساواکی بودن عضو دیگرش را نفوذ، به سناواک جلوه دهد، گویا ضریبات توافقی است که از تشکیلات تهران عباس شهرپاری شان به جنبش کمونیستی ما زدند کاشفی نمود که باز هم اعضای ساواکی خود را از چشم مردم می پوشانند. واقعا که زهی بشیرمی و قاحت.

در پایان این نوشته لازم است که از سو استفاده فرصت طلبان حرفه ای و مذهبی، نمایان کلاش هم که سعی میکنند از هر مسئله ای برای دامن زدن به جو ضد کمونیستی و ضد کارگری استفاده کنند. سخنی گفته باشیم، این جمیع در حالی که خود اکنون پا در جای پای ساواک گذاشته اند و به تفتیش عقاید و باشت کشیدن کتابفروشیها و ارسال چماق داران به میتینگ های گروههای مترقی و اقدام می کنند، سعی می نمایند از این عمل خائنانه حزب توده هم خود و هم پیمانان مترجع و امپریالیست شان بهره وری کنند و اذهان توده ها را نسبت به کمونیست ها و سازمانهای کمونیستی واقعی مشوب کنند. ولی اگر حزب توده با تشبیه به لطایف الحیل تا کنون توانسته است طرفی ببندد، کوشش این فرمایگان کسود و عقب ماند و نیز منتج به نتیجه خواهد شد.

در ابتدای موارات انتخاباتی "مجلس خبرگان" مردم اصفهان شاهد اعلامیه هایی از جانب حزب توده بودند، که دو نفر را بنامهای "غلامرضا روحانی شهرکی" و "حسین آذر" بعنوان کاندیدهای خود در اصفهان جهت شرکت در "مجلس خبرگان" معرفی کرده بود. اما پس از چند روز و در تاریخ ۵۸/۵/۹، آگاهان حزب توده تعداد کاندیدهای خود را در اصفهان طی اطلاعیه ای از دو نفر به یک نفر تقلیل داد و بجای فرد حذف شده سه تن از کاندیدهای حزب جمهوری اسلامی را قرار داد. این حزب توده طاعت این تقلیل و تکثیر را در اعلامیه فوق الذکر چنین بیان کرده است: "حزب توده ایران - سازمان ایالتی اصفهان - به اطلاع عموم همشهریان عزیز می رسد، در آخرین جلسه سازمان ایالتی اصفهان مسئولین این سازمان به این نتیجه رسیدند که رفیق دکتر حسین آذر تنها نامزد حزب ما برای شرکت در مجلس خبرگان، از اصفهان باشد و در ضمن اعلام می داریم! آقایان آیت الله سید جلال الدین طاهری - دکتر حسن آیت - دکتر خالقی مورد پشتیبانی ما می باشند."

همانطور که ملاحظه کردید حزب توده هیچ دلیلی را برای حذف غلامرضا روحانی شهرکی و قرار دادن اسامی سه نفر از حزب جمهوری اسلامی را بجای او ارائه نداده است، ولی اگر این مسئله در ذهن خوانندگان ما و کلیه کسانی که از سند افشاگرانه درباره غلامرضا روحانی شهرکی با خبر نیستند، ایجاد سؤال میکند، برای مردم اصفهان و تمام کسانی که از سند افشاگرانه مذکور مطلعند بجای سؤال، خشم و نفرت نسبت به کلاشان و مزدوران رهبری حزب توده ایجاد می کند و چشمهای آنان را نسبت به ماهیت حزب توده باز می کند. اما قضا چیست؟ قضا چیست که پس از کاندید شدن غلامرضا روحانی شهرکی بعنوان یکی از کاندیدهای حزب توده در اصفهان، سندی در شهر پخش می شود که حاکی از همکاری فعال غلامرضا روحانی شهرکی با سازمان جهنمی ساواک بوده است. متعاقب این امر است که مزدوران توده ای قبالور! به این نتیجه می رسند که "حسین آذر" تنها نامزد حزبشان در اصفهان باشد! بدون اینکه بروی نامبارک خود باورند و بدون اینکه خود در افشای بیشتر ساواکی مزدور، غلامرضا روحانی، بکوشند. البته این اولین باری نیست که عناصر ساواکی



ایدئولوژیک ضد روبریونیم قرار میگردد از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است که ما به هم خوبه استقبال این مبارزه می رویم و طی مقالاتی چند میکوشیم تا بر اساس موازین مارکسیستی اثبات نمائیم که چرک روبریونیم در شوروی غلبه یافت و این کشور به یک چریکهای فدائی بسا، سوسیال امپریالیسم سازش میکند. ادامه دارد



از انتشارات جدید سازمان:

در مقدمه کتاب "قانون کار انقلابی" می خوانیم که چگونه کارگران سراسر جهان و کارگران ایران در طی مبارزات طولانی و خونین خود توانسته اند از شدت بنیه در صفحه ۹

تزلزل و گراشات موافق در میان برخی از نیروهای مبارز و انقلابی در قبال ابر قدرت شوروی و ازبایی آنان از شوروی به مثابه یک کشور "سوسیالیستی" و از جمله فریاد است که بر جنبش وارد آمده است. با توجه بدین امر پیشبرد یک مبارزه پیگیر علیه روبریونیم از ضرورتی، انکار ناپذیر برخوردار بوده و این وظیفه سترگی بر دوش مارکسیست - لنینیستها سنگینی میکند. تنها یک پیکار ایدئولوژیک سخت و همه جانبه خواهد بود که می تواند سه محکمگی در برابر روبریونیم در تمام عرصه ها ایجاد نموده، التقاطات فکری و بهیراهای بورژوازی را از جنبش کمونیستی زدوده و تزلزلات را در هم کوید. هرگونه کوتاهی و عدم کوشش جدی در این زمینه جنبش را در برابر تهاجمات سیاسی ایدئولوژیک روبریونیم سی حفظ نموده و بناگزیر نتایج مرکب برای جنبش مبار خواهد آورد. سازمان چریکهای فدائی خلق طی مقالاتی تحت عنوان: "شوری سوسیال امپریالیسم انحراف از مارکسیسم - لنینیسم" به طرح نظراتی بنیادین انحرافی پرداخته که جز ملاحظه گری سوسیال - امپریالیسم کار دیگری نگذرد است. افشای این نظرات انحرافی که از عدم شناخت علمی از روبریونیم و مرزبندی قاطع با آن مایه گرفته و از آنجا که در بند یک مبارزه

موت بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران